

واکاوی جامعه‌شناختی حیات شهری اصفهان و فرآیند ارتقاء آن

دکتر سید علی هاشمیان^۱، دکتر احمد مهرشاد^۲

دکتر نریمان محمدی^۳، دکتر محمد حیدری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۷

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

چکیده:

پژوهش حاضر به واکاوی حیات شهری اصفهان در دو وضعیت موجود و مطلوب بر مبنای دیدگاه شهروندان اصفهانی پرداخت. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی بود. برای نیل به این هدف سعی گردید بر بافت فرهنگی - اجتماعی اصفهان که در طول تاریخ حافظ زندگی شهری آن بوده است تمرکز شود مشارکت‌کنندگان پژوهش ۲۸ نفر از شهروندان اصفهانی (سه گروه شهروندان عادی، معتمدین محلات و متخصصان مسائل اصفهان) بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه گروهی بود. یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که حیات شهری اصفهان در وضعیت موجود مناسب نیست. در وضعیت موجود سه مقوله اصلی تأثیرگذار در تضعیف حیات شهری اصفهان عبارت‌اند از: ترک‌خوردگی فضایی، به‌هم‌ریختگی نهادی و سرگشتگی اجتماعی. تداوم این شرایط، حیات شهری اصفهان را در معرض تضعیف شدیدتر قرار خواهد داد. به همین منظور، شهروندان اصفهانی راهبردهایی را جهت بهبود وضعیت موجود ارائه داده‌اند که عبارت‌اند از: زاینده‌گی زیستی، انسجام نهادی و سرزندگی اجتماعی. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که عناصر فرهنگی و اجتماعی در حیات شهری اصفهان در گذشته نقشی محوری داشته‌اند و نیاز است در آینده این عناصر بازسازی شده و تقویت شوند.

مفاهیم کلیدی: فضای شهری، گفتمان شهر زندگی، حیات شهری، اصفهان، شهرداری

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

a.mehrshad@ltr.ui.ac.ir

^۳ دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران neriman.1984@gmail.com

^۴ دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران mohammadheydari61@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

اصفهان همواره یکی از مهم‌ترین شهرهای ایران در طول تاریخ بوده است، اما با انتخاب آن به‌عنوان پایتخت در قرون ۱۱ و ۱۲ میلادی و بار دیگر در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی به مهم‌ترین شهر ایران تبدیل شد. اصفهان در بیشتر دوره‌های تاریخی نقشی پررنگ در ارتقاء فرهنگ ایرانی و اسلامی ایفا نموده است. آثار تاریخی و فرهنگی بر جای مانده از دوره‌های تاریخی مختلف در این شهر گویای این مسئله است. شاید هیچ شهری در ایران به اندازه اصفهان اهمیتی جهانی نداشته باشد. انتخاب اصفهان به‌عنوان «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» در سال ۲۰۰۶ نشانی از اهمیت جهانی آن است. در دوران معاصر، شهر اصفهان گسترش یافته و ساختار قدیمی آن با پیشرفت‌های شهری جدید تلفیق شده است. این پیشرفت‌ها که با بناهای قدیمی‌تر هماهنگی داشته‌اند، اصفهان را به یک شهر ایرانی منحصر به فرد تبدیل کرده‌اند (Karimi, 2009: 11). یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد اصفهان را در نقش سنت‌های تاریخی و فرهنگی آن در زیست‌روزمه شهروندان دانست. این سنت‌ها بنیاد هویت و زندگی اصفهانی را شکل می‌دادند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از نوعی سبک زندگی اصفهانی سخن گفت که دارای خاص‌بودگی‌هایی مانند مقتصد بودن، عقلانیت، جمع‌محوری، خانواده‌گرایی، اخلاق‌مداری دینی و اجتماعی، محافظه‌کاری، مادی‌گرایی و ... است. این خاص‌بودگی‌ها برگرفته از نظام شخصیت پایه اصفهانی است که در فرآیند تاریخی شکل گرفته است (Rahmani, 2017: 14-27). این ویژگی‌ها در طول تاریخ اصفهان را تبدیل به یک شهر زیست‌پذیر کرده است. اصفهان نمود عینی درهم‌تنیدگی فرهنگ و حیات شهری در ایران است. در طول تاریخ، اصفهان یک نماد فرهنگی برای ایران بوده است، اما در دهه‌های اخیر بازنمایی و نقش فرهنگ در حیات شهری و مدیریت شهری اصفهان کم‌رنگ شده است که کاهش زیست‌پذیری شهری اصفهان یکی از پیامدهای آن بوده است. به همین دلیل برای بازسازی حیات شهری اصفهان، به نظر می‌رسد توجه دوباره و بیشتر به عناصر فرهنگی در سطوح مختلف می‌تواند کارآمد بوده و زیست‌پذیری شهری اصفهان را ارتقاء بدهد (Rahmani, 2019).

زیست‌پذیری شهری به کیفیت زندگی ساکنان در مناطق شهری اشاره دارد که شامل عوامل مختلفی است که به رفاه کلی، رضایت و آسایش افراد ساکن در شهرها کمک می‌کند (Dajian & Rogers, 2013:17). Throsby زیست‌پذیری شهری را مجموعه ویژگی‌هایی می‌داند که محیط شهر را به مکانی جذاب برای زندگی انسانی تبدیل می‌کند که شامل ویژگی‌های قابل لمس (دسترسی به زیرساخت‌های شهری) و ویژگی‌های غیر قابل لمس

(حس مکان، هویت محلی، معنا و ...) است. برای تروسی، سرمایه فرهنگی و میراث فرهنگی اهمیتی محوری در زیست‌پذیری شهری دارد. وی میراث تاریخی و فرهنگی را به مثابه نوعی سرمایه مالی برای یک شهر می‌داند که می‌تواند به توسعه آن کمک کند (Throsby, 2005:2-4). Salzano معتقد است که شهر زیست‌پذیر شهری است که در آن ارتباط بین گذشته و آینده وجود دارد. شهر زیست‌پذیر دارای ردپای تاریخی است، میراث گذشته در آن حفظ شده و در بازسازی فضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنین شهری همزمان منابع را به گونه‌ای مدیریت و مصرف می‌کند که نسل‌های آینده را به خطر نیندازد (Salzano, 1997: 28). کاستلانی در همین راستا، شهر زیست‌پذیر را شهری می‌داند که تاریخ در نشانه‌های آن (محلها، ساختمان‌ها، بناها، خیابان‌ها و ...) حاکم است. از نظر وی، زیست‌پذیری ماهیتی فرآیندی دارد و در طول تاریخ شکل گرفته است (Casselati, 1997)؛ بنابراین، تاریخ‌زدایی از فضای شهری به بهانه‌هایی مانند مدرن‌سازی، کنشی بر ضد زیست‌پذیری قلمداد می‌گردد. زیست‌پذیری شهری در این پژوهش به معنای تداوم حیات شهری و پیوند بین عناصر شهری، اجتماعی، تاریخی و نهادی است و با مفهوم مرسوم در مطالعات شهری تفاوت معنایی دارد. پژوهش حاضر به دنبال سنجش زیست‌پذیری شهری اصفهان بر مبنای شاخص‌های موجود نیست، بلکه هدف آن فهم جامعه‌شناختی عوامل و فرآیندهایی است که شهر اصفهان را تبدیل به شهری قابل زیست از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نموده یا از رخ دادن آن جلوگیری کرده است. بنابراین، زیست‌پذیری شهری در اینجا به معنای امکانیت حیات شهری در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، شهری، نهادی، تاریخی و زیست‌محیطی است.

اصفهان در طول تاریخ از زیست‌پذیری مناسبی برخوردار بوده است. همان‌طور که بحث شد، بنیاد این زیست‌پذیری بر سنت‌های فرهنگی و تاریخی بوده است. در واقع، اصفهان توانسته است به صورت مطلوبی پیوند گذشته تاریخی و وضعیت کنونی را برقرار کند؛ مسئله‌ای که از دید متفکرانی مانند سالزانو برای زیست‌پذیری شهری امری حیاتی است (Salzano, 1997:28). این سنت‌های تاریخی و فرهنگی به مانند یک میراث تاریخی، سرمایه‌ای فرهنگی را برای اصفهان شکل داده است که در زیست‌پذیری آن، با وجود حملات، محاصره‌ها و درگیری‌های متعدد در طول تاریخ، نقش بنیادی داشته است. در واقع، میراث فرهنگی و سرمایه فرهنگی - تاریخی اصفهان به مانند یک سرمایه مالی برای یک شرکت عمل کرده است. همان‌طور که سرمایه مالی می‌تواند یک شرکت را در طول عمر خود حفظ و توسعه ببخشد، سرمایه فرهنگی و میراث تاریخی - فرهنگی اصفهان نیز توانسته است این شهر را حفظ و توسعه ببخشد. با این وجود در سال‌های اخیر اصفهان درگیر برخی مسائل و

چالش‌های شهری بوده است که حیات شهری آن را با خطر مواجه ساخته است. کاهش زیست‌پذیری شهری یکی از نمودهای در معرض خطر قرار گرفتن حیات شهری اصفهان است. مطالعات تجربی مختلف انجام شده نشان از این دارد که وضعیت زیست‌پذیری شهر اصفهان مناسب نیست (Zahedi Yeganeh & et. al, 2023; Khavarian Garmsir et al. 2022; Akbari & et. al. 2018; Zargham Ravanbakhsh, 2022; Mahlouji & et. al, 2022). بیشتر این پژوهش‌ها بر سنجش زیست‌پذیری شهری اصفهان در ابعاد مختلف پرداخته‌اند و فرآیندهای ایجاد این مسئله و عوامل دخیل در آن به حاشیه رفته است. این در حالی است که برای فهم این مسئله، شناخت فرآیندها، عوامل و شرایط نقشی اساسی دارد. علاوه بر این، پژوهش‌های انجام شده راهبردهای چندانی برای تغییر وضعیت موجود و نیل به وضعیت مطلوب ارائه نداده‌اند. همچنین، نقش سنت‌های فرهنگی - تاریخی خاص اصفهان در این زمینه نادیده گرفته شده است و سعی شده است شاخص‌هایی جهان‌شمول برای سنجش زیست‌پذیری اصفهان مورد استفاده قرار بگیرد. این در حالی است که اصفهان دارای خاص‌بودگی‌های فرهنگی و تاریخی است که زیست‌پذیری آن و زاینده‌گی و ماندگاری تاریخی آن را شکل داده است. شهرداری اصفهان در سال‌های اخیر با لحاظ این خاص‌بودگی‌ها گفتمان «اصفهان، شهر زندگی» را در جهت بهبود زیست‌پذیری و زاینده‌گی شهری اصفهان را در دستور کار قرار داده است. این گفتمان تبدیل به شعار اصلی شهرداری اصفهان شده است و بیشتر برنامه‌های این نهاد در قالب این گفتمان تدوین و اجرایی می‌شوند. این گفتمان به دنبال بازسازی نقش عناصر فرهنگی در حیات شهری اصفهان بوده است. در راستای این گفتمان، پژوهش حاضر به دنبال فهم حیات شهری در دو وضعیت موجود و مطلوب بر مبنای دیدگاه شهروندان اصفهانی است. در واقع، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که حیات شهر اصفهان در وضعیت موجود چگونه است و برای نیل به یک وضعیت مطلوب چه فرآیندهایی باید طی شود؟

پیشینه پژوهش

در زمینه زیست‌پذیری شهری هم در ایران و هم در خارج از کشور مطالعات متعددی انجام شده است. با توجه به ماهیت کیفی پژوهش حاضر که بر ویژگی‌های خاص شهر اصفهان متمرکز است، در مرور پیشینه، تنها به ذکر نتایج پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که مسئله زیست‌پذیری شهری را در شهر اصفهان بررسی کرده‌اند.

مه‌ره‌کش و صابری (۱۴۰۱)، در بررسی زیست‌پذیری شهری اصفهان به این نتیجه رسیده‌اند که بین مناطق شهری اصفهان از نظر زیست‌پذیری تفاوت وجود دارد. دسترسی به سیستم حمل و نقل با کیفیت، هویت اجتماعی بالا، برخورداری از امکانات و رضایت‌مندی از محل زندگی عوامل تعیین‌کننده زیست‌پذیری شهری در اصفهان هستند (Mohrekesht & Saberi, 2022).

زاهدی یگانه و همکاران (۱۴۰۱)، در بررسی زیست‌پذیری شهری اصفهان به این نتیجه رسیده‌اند که زیست‌پذیری اجتماعی - فرهنگی کلان‌شهر اصفهان در حد مطلوبی قرار ندارد و فقط منطقه یک شهرداری اصفهان از سطح متوسط بالاتر و بهترین منطقه از نظر زیست‌پذیری اجتماعی - فرهنگی است. علت این نتیجه به خاطر بالا بودن سطح خدمات و فرهنگ در این منطقه است (Zahedi Yeganeh & et. al, 2023).

خاوریان گرمسیر و همکاران (۱۴۰۱)، در بررسی راهبردهای ارتقاء زیست‌پذیری شهری در اصفهان به این نتیجه رسیده‌اند که زیست‌پذیری شهری اصفهان در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. راهبردهای ارتقاء سطح زیست‌پذیری بر مبنای نتایج این پژوهش عبارت‌اند از: احداث فضای سبز مناسب، دعوت از سرمایه‌گذاران، انجام طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده و همچنین اجرای طرح ساماندهی حاشیه‌نشینی و افراد بی‌خانمان (Khavarian Garmsir & et. al, 2022).

محلوجی و همکاران (۱۴۰۰)، در بررسی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهری در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی اصفهان به این نتیجه رسیده‌اند که بعد اقتصادی زیست‌پذیری شهری نسبت به ابعاد دیگر وضعیت نامناسب‌تری دارد. ابعاد کالبدی و اجتماعی نیز وضعیت نامناسبی دارند اما در مقایسه با بعد اقتصادی وضعیت آن‌ها بهتر است. در کل، سطح زیست‌پذیری شهری در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی شهر اصفهان نامناسب ارزیابی شده است (Mahlouji & et. al, 2022).

جودکی و قاسم‌پور (۱۳۹۹)، در زیست‌پذیری شهری در طرح‌های توسعه شهری اصفهان به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های ملاحظات و مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، و اوقات فراغت و تفریحات دارای وضعیت مناسبی هستند. در مقابل، تفریحات و اوقات فراغت وضعیت مناسبی ندارند. امکانات و خدمات زیربنایی و حمل و نقل عمومی دارای وضعیت به نسبت مناسب و وضعیت اشتغال و درآمد در شهر اصفهان نگران‌کننده است. در بعد کالبدی - محیطی شاخص‌های فضای باز و عمومی و آلودگی نامطلوب وضعیت نگران‌کننده‌ای دارند (Jodki & Qasimpour, 2020).

ضرغام روانبخش (۱۳۹۹)، در بررسی مقایسه‌ای زیست‌پذیری شهری اصفهان با شهرهای دیگر به این نتیجه رسیده است که اصفهان از نظر معیارهای زیست‌پذیری شهری در وضعیت مناسبی قرار ندارد. با بررسی نتایج مطالعات صورت گرفته در شهر اصفهان و مقایسه با دیگر شهرها مشخص گردید که اصفهان شهری زیست‌پذیر نیست و از لحاظ برخورداری از شاخص‌های زیست‌پذیری وضعیت مطلوبی ندارد (Zargham Ravanbakhsh, 2022).

اکبری و همکاران (۱۳۹۶)، در بررسی زیست‌پذیری در بافت فرسوده شهر اصفهان به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت زیست‌پذیری بافت فرسوده اصفهان در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نامطلوب است. در این میان وضعیت زیست‌پذیری اجتماعی بحرانی‌تر است (Akbari & et. al, 2018).

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه زیست‌پذیری شهری اصفهان نمایانگر این است که تمرکز اصلی بر سنجش شاخص‌های زیست‌پذیری اجتماعی به صورت کمی بوده است و فرآیندهای زیست‌پذیری شهری و ارتقاء آن مورد توجه قرار نگرفته است. این در حالی است که خاص‌بودگی تاریخی و فرهنگی اصفهان سبب شده است که ماهیت، فرآیند و فهم زیست‌پذیری آن متفاوت از فضاهای شهری دیگر باشد. در واقع، به‌سختی می‌توان شاخص‌های جهان‌شمول زیست‌پذیری شهری را به فضای شهری اصفهان نسبت داد. بر همین مبنا، پژوهش حاضر با در پیش گرفتن روش‌شناسی کیفی، به دنبال فهم حیات شهری اصفهان، وضعیت موجود و مطلوب آن بر مبنای دیدگاه شهروندان اصفهانی است.

ادبیات نظری پژوهش

نظریات متعددی در زمینه فضای شهری، ساختار، معنا و حیات شهری وجود دارند، اما دیدگاه‌های لوفبور^۱، کوین لینچ^۲، ریموند لدورت^۳ و جین جاکوبز^۴ در این زمینه از جامعیت بیشتری برخوردار هستند.

لوفبور فضا را نه یک پدیده طبیعی یا استعلایی بلکه یک تمامیت تاریخی و یک تولید اجتماعی می‌داند. در واقع، فضا از یک سو، تجربه حافظه تاریخی ماست و از سوی دیگر تجربه زندگی روزمره ما. تولید فضا یا مکان در دوره‌های مختلف تاریخی متفاوت بوده است، بدین معنی که تغییر بازیگران، تغییر موقعیت‌ها، تغییر عملکردها، ارزش‌ها، نوع معیشت و روابط

¹ Lefebvre

² Lynch

³ Ledrut

⁴ Jacobs

همگی بر تغییر فضای تولید شده، اثرگذاری کرده‌اند. لوفبور تقابل کلاسیک میان فضای فیزیکی (طبیعی) و فضای ذهنی را مورد نقد قرار می‌دهد و معتقد است که آنچه در واقع برای انسان‌ها اهمیت بیشتری دارد، فضای اجتماعی است. این فضا به‌گونه‌ای دیالکتیکی از خلال کنش متقابل ساخته می‌شود (Fakuhi, 2004: 239-240).

لینچ فضای شهری را قلمروی برای زندگی و هویت‌یابی می‌داند. وی هدف اصلی خویش را «یافتن بهترین شکل از طراحی شهری برای آرمانی زیستن شهروندان» قرار داده بود (Fakuhi, 2004: 207). لینچ معتقد است که در فضای شهری، این فرصت وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده، برخوردهای از پیش نامشخص، اتفاق افتاده و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در فضای شهری است که رفتارهای جامعه جویی و همگرایی شهروندان به منصفه ظهور می‌رسد و این رفتارها می‌تواند به تفاهم، پیوند و همبستگی اجتماعی بینجامد. فضای شهری، حیات مدنی را به کالبد شهر با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (با استفاده از فضای کالبدی) و اجتماع (تقویت کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر) تزریق خواهد نمود. نقش اصلی فضای شهری در فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر تعریف می‌شود (Habibi, 2011:31). از دیدگاه لینچ، هیچ عاملی از شهر به خودی خود تجربه نمی‌شود، مگر آنکه در رابطه با محیطش مشاهده شود، تسلسل وقایعی که سبب بروز و وجود آن گشته، شناخته گردد و در رابطه با خاطره‌های تجارب گذشته باشد (Danesh & Tayebi, 2011:71).

لینچ تصویر هر محیط شهری را به سه جزء تجزیه می‌کند: هویت، ساختار و معنی. تفکیک این سه بعد ماهیتی تحلیلی دارد و در تصویر ذهنی از شهر این سه جزء پیوسته با یکدیگر و به صورت وحدت یافته‌ای جلوه‌گر می‌شوند. منظور لینچ از «هویت» آن نیست که شباهت‌های یک شیء را با اشیای دیگر معلوم دارد، بلکه منظور صفاتی است که خاص خود شیء است و آن را منحصر به فرد می‌کند. دوم آن که باید رابطه کالبدی / فضایی هر شیء که در ذهن داریم با ناظر و با اشیای دیگر معلوم باشد (ساختار یا رابطه فضایی). علاوه بر این، شیء باید برای ناظر واجد پاره‌ای معانی - اعم از معنایی که متضمن استفاده‌ای خاص است یا معنای احساسی باشد. به نظر لینچ معنای شیء بر حسب رابطه آن با ناظر و اشیای دیگر حاصل می‌آید، اما این رابطه با رابطه‌ای کالبدی / فضایی و فرمال، کاملاً متفاوت است (Lynch, 2004: 22).

لدروت دیدگاه لینچ را به دلیل محدودیت و اینکه از تمرکز بیش از حد بر سطح تفکیکی / مصداقی ارتباط (تشخیص عناصر فضایی نظیر مسیر، راه و لبه) و بی‌اعتنایی به معانی ضمنی / مفهومی ناشی می‌شود، مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی معتقد است که ساختار شهری غالباً به خاطر معنای نمادین خود که فراتر از معانی عملکردی هستند، قابل تشخیص می‌گردد. لدروت در نقد نظریه لینچ می‌گوید: ساکنان شهر با درگیر شدن در کارها و امور شهری نقشی بسیار فعال در تولید و به‌کارگیری بافت شهر دارند. این قضیه به روشنی نشان می‌دهد که چگونه ترسیم نقشه ذهنی (روش مطالعه لینچ) دامنه محدود دارد. تأکید لدروت بر دریافت شهروندان از محیط‌شان است. جایی که مردم از محیط شهری، از عناصر عملکردی بر پایه آنچه در آن‌ها انجام می‌دهند و عناصر نمادین صورت می‌گیرد. از نظر لدروت، شهر یک نماد است، و از طریق نمادین‌سازی وجود می‌یابد؛ اما این امر به وسیله و از طریق گفتمان درک می‌شود. آنچه شهر برای انسان‌ها بازنمایی می‌کند به وسیله گفتمان آشکار و تفسیر می‌شود و شهر و عناصر مختلف آن در اشکال گوناگون نمادین شده، بازنموده می‌شوند (Ledrut, 1986: 223).

جاکوبز بر ستایش خیابان تأکید دارد و برای جذب عابران و ایجاد یک عامل ایمنی ذاتی، سه کیفیت اساسی برای خیابان شهری ذکر می‌کند: اولاً لازم است که خیابان تمایزی صریح بین فضاهای عمومی و خصوصی ایجاد کند. ثانیاً، برای نظارت و مراقبت از خیابان، چشمانی لازم است، چشمان کسانی که می‌توان آن‌ها را مالکان طبیعی خیابان نامید. بناهایی که در مجاورت خیابان قرار دارند نیز باید به سوی آن جهت گیرند. این بناها نباید به خیابان پشت کنند و نباید نماهای کورشان را بدان عرضه کنند. ثالثاً، پیاده‌رو می‌باید بی‌هیچ توقفی مورد استفاده قرار گیرد، این تنها امکان برای افزایش تعداد چشمان حاضر در خیابان و جذب نگاه کسانی است که در داخل بناها حضور دارند، هیچ‌کس دوست ندارد از پنجره‌ای که به خیابانی خالی باز می‌شود، نگاهی به بیرون اندازد؛ و برعکس، بسیاری از مردمان می‌توانند با زیر نظر داشتن یک خیابان شلوغ، در طول روز خود را سرگرم کنند. وی معتقد بود تلاش برای دفع عدم امنیت خیابان‌ها از طریق تأمین امنیت دیگر عناصر شهری، چون حیاط‌های درونی و زمین‌های بازی سرپوشیده، مسئله‌ای بیهوده است. وی نقش عناصر شهری حیات‌بخش به فضا نظیر فروشگاه‌ها و مکان‌های عمومی را بسیار مهم می‌داند و اعتقاد دارد که فضاهای آمد و شد و سرزنده می‌توانند دامنه این سرزندگی و نشاط را به نقاطی بکشانند که به‌خودی خود جذابیتی ندارند و این مکان‌ها را به مکان‌های عبوری زنده و شلوغ تبدیل نمایند. وی بر این نکته همواره تأکید داشت که جذابیتی که از نگاه انسان‌ها بر دیگر انسان‌ها ایجاد شده، به‌گونه‌ای غریب از سوی شهرسازان و معماران ناشناخته مانده است و یک خیابان زنده،

همیشه و به گونه‌ای هم‌زمان استفاده‌کنندگان و تماشاچیان را داراست و عملکرد خوب خیابان در ارتباط با تجربه نوعی احساس ناخودآگاهانه از همبستگی در بین عابران است (Choay, 2007:371). به‌طور کلی آنچه این نظریه‌ها ارائه می‌دهند و برای پژوهش حاضر اهمیت دارد، لحاظ کردن هم‌زمان بازیگران نهادی و فردی، تاریخ و خاطرات، فضا و ساختار شهری در حیات شهری و زاینده‌گی فضایی است. هر چهار نظریه بر اجتماعی بودن فضای شهری و خلق معنا در تعاملات بین نهادها، محیط و بازیگران تأکید دارند.

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش از نوع کیفی و روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی استقرائی با رویکرد عرفی (Mayring, 2004: 266-269) است. تحلیل محتوای کیفی روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده است. در واقع تحلیل محتوای کیفی به فراسوی کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و مضامین یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (Iman & Noshadi, 2011: 20-21). رویکرد استقرائی تحلیل محتوای کیفی، فرض را بر این می‌گیرد که نظریات موجود به دلایل مختلف توانمندی کمی برای تبیین پدیده مورد بررسی دارند. بنابراین، پژوهشگر با غرق شدن در داده‌های میدانی، تلاش دارد مقولات را از داده‌ها استخراج نماید (Mayring, 2004: 268).

میدان پژوهش شهر اصفهان و مشارکت‌کنندگان پژوهش شهروندان اصفهانی است. از آنجایی هدف پژوهش واکاوی فهم و تجزیه شهروندان اصفهانی از زیست‌پذیری شهری بود، شهروندان اصفهانی که تجربه زندگی چندین ساله در شهر اصفهان را داشتند به‌عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان سه دسته اصلی از شهروندان شهر اصفهان بودند. دسته اول شهروندان عادی یا به‌عبارت دیگر کسانی بودند که سن آن‌ها بالاتر از ۵۰ سال بود و سابقه زندگی چندین ساله در شهر اصفهان داشتند و تحولات شهر، شهروندان و شهرداری را تجربه کرده بودند. دسته دوم از بین شهروندانی انتخاب شدند که تجربه ارتباط نزدیک با نهادهای شهری از جمله شهرداری را داشتند (معمدین محله). دسته سوم کارشناسان اصفهان‌شناسی بودند که در حوزه زیست و فرهنگ اصفهان تجربه کار مطالعاتی و کارشناسی داشتند. روش نمونه‌گیری هدفمند و حجم نمونه ۲۸ نفر بود که مشخصات آن‌ها در جدول ۱ آمده است. نمونه‌گیری با انتخاب شهروندان اصفهانی که دارای تجربه زیسته زندگی در شهر اصفهان بودند (از گروه‌های مختلف) آغاز شد. در دو جلسه گروهی چند ساعته

با ۹ نفر از شهروندان اصفهانی مصاحبه گروهی صورت گرفت. بعد از تحلیل و کدگذاری این مصاحبه‌ها، بر مبنای نتایج به دست آمده، دو جلسه مصاحبه گروهی با ۱۲ نفر از شهروندان اصفهانی که به‌طور مداوم با شهرداری و نهادهای زیرمجموعه آن ارتباط و تعامل داشتند، مصاحبه انجام شد. این افراد عموماً از معتمدین محلات اصفهان بودند. سؤالات مصاحبه بر مبنای کدگذاری و تحلیل اولیه مصاحبه‌های انجام شده با شهروندان عادی اصفهانی طراحی شدند. در مرحله سوم، بعد از کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با شهروندان گروم دوم، سؤالات نهایی طراحی شده و بر مبنای آن‌ها با کارشناسان اصفهان‌شناسی و متخصصان (۷ نفر) این حوزه مصاحبه گروهی انجام گردید. هدف اصلی از مصاحبه با این افراد، تأیید اعتبار یافته‌های بخش‌های قبل و نهایی‌سازی مقولات و مضامین بر اساس فهم تخصصی این افراد بود. ۳ جلسه گروهی چند ساعته با این افراد برگزار گردید. در نهایت بعد از این مصاحبه‌های گروهی مقولات و مضامین نهایی شد.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

Table 1: Characteristics of Research Participants

| محل سکونت | سابقه سکونت | شغل | تحصیلات | جنس | سن | گروه |
|---------------------------|----------------------------|------------------------|------------------|------------|------------|---------------|
| <i>Residence Location</i> | <i>Residential History</i> | <i>Occupation</i> | <i>Education</i> | <i>Sex</i> | <i>Age</i> | <i>Group</i> |
| جی | ۴۰ | کارمند بانک | کارشناسی ارشد II | مرد | ۵۶ | شهروندان عادی |
| بزرگمهر | ۶۹ | کارمند فرهنگ و هنر | کارشناسی | مرد | ۶۹ | |
| جی | ۳۷ | کارمند آموزش و پرورش | کارشناسی | مرد | ۶۱ | |
| هشت بهشت | ۶۷ | صنایع دستی | سیکل | مرد | ۶۷ | |
| هشت بهشت | ۵۶ | کارمند بانک | کارشناسی حقوق | مرد | ۵۶ | |
| سپاهان شهر | ۵۰ | کارمند شهرداری تهران | مهندسی عمران | مرد | ۶۴ | |
| شهرک نکین | ۲۲ | فعالیت آموزشی | کارشناسی | زن | ۶۲ | |
| سپاهان شهر | ۵۰ | معلم | کارشناسی ریاضی | زن | ۶۳ | |
| خیابان آپالانا | ۶۸ | کارمند راه آهن | کاردانی | مرد | ۶۸ | |
| منطقه ۱۰ | ۴۵ | فعالیت‌های فرهنگی | حوزوی | مرد | ۴۵ | معتمدین محلات |
| منطقه ۱۳ | ۲۷ | روحانی | حوزوی | مرد | ۴۴ | |
| منطقه ۷ | ۲۰ | مدیر مؤسسه خیریه | کارشناسی حقوق | زن | ۳۷ | |
| — | ۴۱ | کشاورز | کارشناسی | مرد | ۸۳ | |
| — | ۴۹ | فعالیت هنری - خوشنویسی | دیپلم | مرد | ۴۹ | |
| منطقه ۸ | ۶۰ | بازنشسته شرکت نفت | کارشناسی | مرد | ۷۸ | |

| محل سکونت | سابقه سکونت | شغل | تحصیلات | جنس | سن | گروه |
|--|----------------------------|---------------------|-----------------------|------------|------------|--------------|
| <i>Residence Location</i> | <i>Residential History</i> | <i>Occupation</i> | <i>Education</i> | <i>Sex</i> | <i>Age</i> | <i>Group</i> |
| منطقه ۲ | ۶۰ | بازنشسته فرهنگی | کارشناسی ارشد | مرد | ۶۰ | |
| — | ۴۲ | کارمند مخابرات | کارشناسی | مرد | ۴۲ | |
| منطقه ۱۱ | ۴۶ | مدیر مدرسه | کارشناسی زبان انگلیسی | مرد | ۴۶ | |
| منطقه ۱۴ | ۵۳ | فعال فرهنگی - ورزشی | دیپلم | مرد | ۵۳ | |
| منطقه ۹ | ۵۰ | بازنشسته | دکترای علوم قرآنی | مرد | ۵۶ | |
| منطقه ۴ | ۲۸-پراکنده | مدرس دانشگاه | دکترا | مرد | ۶۰ | |
| تخصص | | | | | | |
| دکترای زبان و ادبیات فارسی - اصفهان پژوه | | | | | | |
| شاعر - متخصص ادبیات عامه اصفهان | | | | | | |
| دکترای زبان و ادبیات فارسی - اصفهان پژوه | | | | | | |
| دکترای تاریخ - اصفهان پژوه | | | | | | |
| نویسنده - اصفهان پژوه و متخصص تاریخ و ادبیات اصفهان | | | | | | |
| فعال فرهنگی و بازنشسته - اصفهان شناس | | | | | | |
| کارشناس ارشد روابط بین‌الملل - مسئول فرهنگسرای شهرداری | | | | | | |

گردآوری داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه (گروه متمرکز) انجام شد و در شش جلسه گروه متمرکز مصاحبه گردآوری داده‌ها انجام شد. قابل ذکر است هر کدام از این مصاحبه‌ها در دو جلسه ۳ و نیم تا ۴ ساعته انجام شد. در نهایت متن مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و به صورت خط به خط کدگذاری و تحلیل شدند. ابتدا متن پیاده‌سازی مربوط به مصاحبه‌ها کدگذاری و مفاهیم اولیه پژوهش استخراج شدند. در این مرحله ۱۶۴ کد اولیه به دست آمدند. در ادامه از تلخیص و فروگاهی مفاهیم اولیه مقوله‌های فرعی استخراج به دست آمدند. در این مرحله ۳۱ مقوله فرعی استخراج شدند. در نهایت از طریق جمع‌بندی مقوله‌های فرعی مقوله‌های اصلی پژوهش در قالب استعاره‌ها در دو وضعیت موجود و مطلوب شناسایی و ارائه شدند. در این مرحله ۶ مقوله اصلی به دست آمدند که در دو بعد وضعیت موجود و وضعیت مطلوب حیات شهری اصفهان دسته‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی حیات شهری شهر اصفهان در وضعیت موجود و مطلوب بر اساس دیدگاه شهروندان اصفهانی و متخصصان بود. در واقع، ابتدا وضعیت موجود

بررسی شده و سپس وضعیت مطلوب و ایده‌آل اصفهان از دیدگاه شهروندان و متخصصان بررسی شد. در بررسی وضعیت مطلوب، هدف ترسیم چشم‌انداز مطلوب برای آینده اصفهان و زیست‌پذیری فرهنگی - اجتماعی آن بوده است. مقولات اصلی، مقولات خرد و کدهای مرتبط با هر کدام از این دو وضعیت در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: فرآیند کدگذاری داده‌ها - مقولات اصلی، فرعی و کدها

Table 2: Data Coding Process-Main Categories, Sub-Categories and Codes

| کدها <i>Codes</i> | مقولات فرعی <i>Subcategories</i> | مقولات اصلی <i>Main Categories</i> | وضعیت <i>Status</i> |
|--|-------------------------------------|---------------------------------------|------------------------|
| از بین رفتن حیات تاریخی شهر / از دست دادن دائمی داشته‌های تاریخی و فرهنگی / تاریخ‌زدایی از معماری / فقدان نسبت بین ساخت‌وساز شهری و تاریخ | تاریخ‌زدایی از شهر | ترک‌خوردگی فضایی | وضعیت موجود |
| گسترش مداوم ترافیک / بی‌حساب و کتاب بودن ساخت‌وساز شهری / گسترش حاشیه‌های شهری / ساخت‌وسازهای متعارض و نامناسب شهری / خیابان‌سازی نامناسب | بی‌تعدالی ساختاری | | |
| تغییر کاربری باغات و فضاهای سبز / خشک شدن زاینده‌رود / آب‌وهوای ناسالم / مسائل زیست‌محیطی متعدد / تغییر فضاهای محله‌ای در اثر مهاجرت | ویرانی فضایی | | |
| گسیختگی خانوادگی / تضعیف آداب و رسوم / تضعیف همبستگی‌های اجتماعی / افزایش تبعیض‌ها و نابرابری‌ها / افزایش آسیب‌های اجتماعی شهری | گسیختگی اجتماعی | | |
| مرگ صنایع دستی / تضعیف هنر و موسیقی / عدم توجه به مرمت و نگهداری آثار باستانی / پیوست فرهنگی ضعیف ساخت و ساز شهری / معماری غیر فرهنگی | گسیختگی فرهنگی | | |
| سختگیری بی‌مورد و بی‌اساس برخی کارمندان و مدیران شهرداری / کنشگری قبیله‌ای و گروهی برخی کارمندان و مدیران / تکیه بر ابزارهای نامناسب توسط برخی کارمندان برای اعمال قوانین / رفتار قلدرمانه‌آبانه برخی کارمندان و | بی‌خردی رفتاری | | |

| کدها | مقولات فرعی | مقولات اصلی | وضعیت |
|--|-----------------------------|------------------------|---------------|
| <i>Codes</i> | <i>Subcategories</i> | <i>Main Categories</i> | <i>Status</i> |
| مسئولان شهرداری | | | |
| مدیریت نان به نرخ روز خور/ عدم آینده‌نگری در طراحی فضاهای شهری و خیابان‌ها/ رویه‌های بوروکراتیک ناکارآمد/ کم‌کاری زیرمجموعه‌ها در اثر عدم نظارت/ بخشنامه‌ای بودن سیستم/ بروکراسی ناکارآمد و فرسوده/ بی‌نظم بودن/ سیاسی شدن شهرداری/ پشت‌میزنشینی برخی مدیران | آشفتنگی مدیریتی | | |
| عدم هارمونی عناصر و حوزه‌های شهری/ سردرگمی شهرداری در کوچک یا بزرگ شدن نهادی/ ناهماهنگی نهادی شهرداری با بازار/ ماهیت تخریبگری برخی بخش‌های شهرداری/ ناهماهنگی نهادی بین شورای شهر و شهرداری/ ناهماهنگی نهادی در تغییر و اعمال قوانین شهری | ناهماهنگی نهادی | | |
| عدم مشتری‌محوری شهرداری/ برخورد نابرابر شهرداری با افراد بر اساس میزان آورده آنان برای شهرداری/ عدم راهنمایی صحیح مراجعان توسط کارمندان/ نگاه از بالا به پایین شهرداری به مردم/ دخالت حداکثری در زندگی شهروندان/ عدم نظرخواهی از شهروندان | مردم‌زدایی شهری | | |
| رابطه‌مندی و فساد موردی/ رانت در مسئولیت‌گیری مسئولان شهری/ قدرت دلال‌ها در کارراه‌اندازی/ وجود فسادهای مالی نسبی و غیر قانونی در شهرداری | رانت‌محوری و فساد | | |
| وابستگی شهرداری به جیب مردم/ گیرنده بودن شهرداری/ تکیه دائمی بر تراکم‌فروشی و عوارض/ نداشتن برنامه‌های درآمدزایی پایدار و مستقل | بی‌ثباتی مالی | | |
| منفعت‌گرایانه بودن طرح‌های شهری به جای عمومی بودن آنها/ نگاه اقتصادی محض به ساخت و ساز شهری/ استفاده از ابزارهای غیر اخلاقی برای کسب درآمد/ سلطه منطق سرمایه بر ساخت و ساز شهری/ اقتصادی شدن | سرمایه‌ای شدن ساخت و ساز | | |

| کدها | مقولات فرعی | مقولات اصلی | وضعیت |
|--|----------------------|------------------------|---------------|
| <i>Codes</i> | <i>Subcategories</i> | <i>Main Categories</i> | <i>Status</i> |
| خیابان‌سازی (ساخت خیابان به منظور کسب درآمد با ابزارهایی مانند مغازه‌سازی) | | | |
| عدم مسئله‌مندی واقعی مسائل فرهنگی / استفاده از مسائل فرهنگی برای کسب اعتبار اجتماعی / برنامه محور و غیر استراتژیک بودن برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی / استفاده ابزاری از مسائل فرهنگی برای تلطیف استبدادی بودن ساخت و ساز و عمران | بی‌برنامه‌گی فرهنگی | | |
| بی‌تفاوتی اجتماعی و فردگرایی / نادیده انگاری دیگران / خودخواهی / کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی / افزایش محافظه‌کاری اجتماعی | بی‌مسئولیتی اجتماعی | | |
| تکه‌تکه شدن هویت / کاهش تعلق به اصفهان / پریشانی هویتی / در هم ریختگی عناصر هویتی / تضعیف آداب و رسوم اصفهانی / فراموشی سنت و عدم جایگزینی آن / تشدید نزاع‌های گروهی / تشدید دوگانگی‌های هویتی / عینی شدن تضادهای اجتماعی و خیابانی شدن آن‌ها / بلاتکلیفی معنایی | سرگشتگی هویتی | سرگشتگی اجتماعی | |
| افزایش دورویی و ریاکاری / تقویت لایه‌بندی ارتباطی / افزایش بی‌اعتمادی / تشدید خودشیفتگی و خود برتر بینی / افزایش رفتارها و خلق‌و‌خوهای ضدتوسعه | سرگشتگی رفتاری | | |
| تضعیف اعتقادات دینی و مذهبی / تشدید مال‌اندوزی بی‌مورد / تضعیف ارزش‌های اخلاقی / کاهش تعاملات خانوادگی / تضعیف روابط همسایگی | سرگشتگی ارزشی | | |
| استمرار زندگی و زاینده‌گی تاریخی / ماندگاری با وجود جنگ، محاصره و درگیری‌های متعدد / قدرت زاینده‌گی در علم، هنر، معماری و ... / انطباق‌پذیری پیروزمندانه | جاودانگی فضایی | زاینده‌گی زیستی | وضعیت مطلوب |
| ایجاد تناسب معماری ساخت و سازهای شهری با هویت تاریخی / تناسب نام‌گذاری شهری با هویت فرهنگی - تاریخی / بازاریابی مرکزیت | تاریخ‌زایی هویتی | | |

| کدها | مقولات فرعی | مقولات اصلی | وضعیت |
|---|----------------------|------------------------|---------------|
| <i>Codes</i> | <i>Subcategories</i> | <i>Main Categories</i> | <i>Status</i> |
| تاریخی اصفهان / بازاریابی سنت موقوفه‌سازی / توسعه سنت خیریه / بازاریابی تاریخی پیکره‌بندی ساختاری شهر | | | |
| جذابیت زیستی برای همه شهروندان / سازنده بودن / توسعه توریسم / هوشمندسازی شهری / زیست‌پذیری محیطی / کاهش آلاینده‌های محیطی | زایش زیستی | | |
| سازگاری فضای شهری با سنت‌های فرهنگی و اجتماعی / تناسب فضاهای شهری با فشار جمعیتی / بازتنظیم ساختاری و فرهنگی شهرک-ها / بازتنظیم حاشیه‌های شهری | تعادل ساختاری | | |
| رعایت حقوق شهروندی / توجه به نیازهای عینی شهروندان / نظرسنجی مداوم از شهروندان در مورد طرح‌های شهری قبل از اجرا، در حین اجرا و بعد از اجرا / توسعه مشارکت مردمی در طرح‌های شهری با در نظر گرفتن منافع مشارکت‌کنندگان مردمی / کاهش فاصله ذهنی بین شهروندان و شهرداری / تغییر دید قلدردم‌آبانه | مردم‌مداری | | |
| هماهنگی و انسجام عملکردی بهتر مناطق مختلف شهرداری / نظارت سیستماتیک شهرداری بر پیمانکاران / شایسته‌سالاری سازمانی / دایره‌ای و مجموعه‌ای کردن سیستم شهری / به‌روز کردن و الکترونیکی شدن کامل شهرداری / تخصص‌گرایی و کارآمدی سازمانی / آینده‌نگری / مبارزه با تبعیض و فساد / تقویت شفاف‌سازی نهادی | کارآمدی نهادی | انسجام نهادی | |
| کاهش تکیه درآمدی بر منابع ناپایدار مانند تراکم‌فروشی، عوارض و ... / توسعه درآمد پایدار از طریق توسعه توریسم، موقوفه‌سازی و ... / توسعه هماهنگ‌سازی نهادی برای درآمدسازی پایدار / ارائه بسته‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران شهری / ایجاد زمینه‌ها برای سرمایه‌گذاری خارجی | پایداری درآمدی | | |
| عدم تبعیض در خدمات‌رسانی به مناطق مختلف | عدالت‌محوری | | |

| کدها | مقولات فرعی | مقولات اصلی | وضعیت |
|---|----------------------|------------------------|---------------|
| <i>Codes</i> | <i>Subcategories</i> | <i>Main Categories</i> | <i>Status</i> |
| شهری/ تبعیض مثبت (خدمات بیشتر به نیازمندان (معلولین، سالمندان، ایام و ...)/ مواجهه شهرداری با شهروندان بر اساس موقعیت مکانی/ دریافت عوارض شهری به تناسب وضعیت درآمدی شهروندان | | | |
| ترمیم اعتماد از دست رفته شهروندان به شهرداری/ توسعه مشارکت‌های مردمی واقعی/ نظرسنجی مداوم و کاربردی از شهروندان در مورد کارآمدی شهرداری | بازسازی اعتماد | | |
| آموزش مسائل اجتماعی و فرهنگی / آموزش حقوق شهروندی، حقوق زیست‌محیطی و ... / فرهنگ‌سازی توسط شهرداری / تلاش برای مواجهه مسئله‌مندان با آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی / توسعه عادلانه فضاهای فرهنگی و تفریحی | مداخله فرهنگی | | |
| تقویت حس تعلق به اصفهان / انسجام‌بخشی هویتی / تقویت آداب و رسوم اصفهانی / افزایش هم‌گرایی گروهی / تقویت جوهر اصفهانی بودن برای کاهش دوگانگی‌ها | بازسازی هویتی | | |
| تقویت عناصر رفتاری فرهنگ اصفهانی مانند صداقت، مقصدبودن، باریک‌بینی، واقع‌بینی، آینده‌نگری، حسابرسی و ... / تقویت برون‌گرایی ارتباطی / تقویت اعتماد عمومی / افزایش دیگرخواهی / تغییر رفتارها و خلق و خویهای ضد توسعه | بازسازی رفتاری | سرزندگی اجتماعی | |
| تقویت اعتقادات دینی / تقویت ارزش‌های اخلاقی / بازسازی تعاملات خانوادگی / بازسازی روابط همسایگی / تقویت سبک زندگی اصفهانی / تقویت اخلاق محوری | بازسازی ارزشی | | |
| کاهش بی‌تفاوتی اجتماعی / افزایش جمع‌گرایی / اهمیت بیشتر به دیگران / تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی / افزایش دغدغه‌مندی در مورد مسائل شهری | مسئولیت‌پذیری | | |

وضعیت موجود: ترک‌خوردگی فضایی و ویرانی زیستی

اصفهان دارای یک سنت تاریخی - فرهنگی قابل توجه است که با وجود جنگ‌ها، درگیری‌ها و محاصره‌های متعدد همچنان ماندگار مانده است و به حیات شهری خودش ادامه می‌دهد. با وجود این، در وضعیت کنونی اصفهان با چالش‌های فراوانی مواجه است. مسائل زیست‌محیطی متعدد در کنار بی‌نظمی‌ها و عدم تعادل‌های ساختاری و فضایی سبب شده است که این شهر هر روز داشته‌هایش را از دست بدهد و به سوی فرمی از ویرانی شهری حرکت نماید. عملکرد شهرداری اصفهان در این زمینه نقش مهمی داشته است. هر چند در حالت مقایسه‌ای احتمالاً بتوان عملکرد شهرداری اصفهان را در قیاس با کلان‌شهرهای دیگر ایران موفق ارزیابی نمود، اما خاص‌بودگی‌های تاریخی و فرهنگی اصفهان سبب شده است که در نهایت نتوان چندان در این زمینه ارزیابی موفقی از آن داشت. شهرداری اصفهان به دلیل عملکردی که در طول چند دهه اخیر داشته است، فرمی از بی‌اعتمادی را در میان شهروندان به وجود آورده است. در کنار این، شهروندان نیز دچار فرمی از سرگستگی هویتی و معنایی شده‌اند. تحولات اجتماعی و فرهنگی نوین در کنار آشفتگی‌های مدیریتی و شهری سبب شده است که هویت اصفهانی که زمانی بنیاد شکل‌دهی به بافت و فضای شهری اصفهان بود، تکه پاره شده و شکسته شود.

ترک‌خوردگی فضایی

در وضعیت موجود با ما فرمی چالش‌برانگیز از اصفهان به‌عنوان یک کلان‌فضای شهری مواجه هستیم. تاریخ که بنیاد هویتی شهر اصفهان است در معماری، ساخت و ساز شهری، مدیریت شهری و ... نقشی ندارد، اصفهان دچار بی‌تعادلی ساختاری شده است، فضاهای شهری رو به ویرانی نهاده‌اند، نوعی گسیختگی و از هم‌پاشیدگی اجتماعی بر فضای شهر حاکم و از لحاظ فرهنگی دچار ترک‌خوردگی قابل توجه شده است.

اصفهان شهری است که عموماً ماهیتی تاریخی و فرهنگی دارد. فراتر از ریشه‌های تاریخی این شهر، آثار تاریخی و باستانی متعدد که هر کدام به دوره‌ای تاریخی تعلق دارند، این شهر را تبدیل به یک موزه تاریخی و فرهنگی نموده است. با این وجود در دهه‌های اخیر این شهر به‌طور مداوم در حال از دست دادن داشته‌های تاریخی و فرهنگی خود بوده است. این مسئله به حدی گسترده شده است که ما اکنون شاهد خطر از بین رفتن حیات تاریخی شهر هستیم. آثار تاریخی اصفهان در وضعیت کنونی نیز در حال تخریب هستند و تلاشی منسجم برای مرمت این آثار و حفاظت از آن‌ها صورت نگرفته است. علاوه بر این، ما شاهد

تاریخ‌زدایی از معماری و ساخت و ساز شهری در اصفهان هستیم. اولاً معماری اصفهان به مرور فرمی از یکسان‌بودگی با شهرهای دیگر به خود گرفته است و ثانیاً، نسبت بین ساخت و سازهای شهری و معماری با تاریخ به کلی از بین رفته است. معماری در اصفهان قدیم نسبت مشخصی با تاریخ داشته است.

مصاحبه‌شونده: یک آینده سیاه دارد اصفهان. شما الان به من بگویید جای حمام خسرو آقا چی دارید؟ جای عمارت نمکدان چی دارید؟ جای کاخ هشت بهشت چه چیزی دارید؟ جای کاخ آینه‌خانه چه چیزی دارید؟ این‌ها جایگزین ندارند این‌ها مثل آدم‌های قدیمی هستند.

از لحاظ تاریخی ترکیب‌بندی ساختار شهری اصفهان به نوعی بوده است که هم زنده بودن شهر از لحاظ زیستی به چشم بیاید و هم خدمات شهری به صورت مطلوب صورت بگیرد. اما در وضعیت موجود این مسئله دچار به هم‌ریختگی ساختاری شده است. ساخت و ساز شهری در اصفهان بی‌حساب و کتاب شده است. این ساخت و سازها اولاً تناسبی با ماهیت تاریخی این شهر ندارند، دوماً دچار تعارضات درونی است که فرمی آشتی‌ناپذیر و هم‌ستیز از ساختار شهری را در آن شکل داده است. معماری اصفهان تبدیل به امری تاریخ‌زدا شده است. این مسئله در کنار تعارضات ساختاری در ساخت و ساز شهری، فرمی از بی‌تعادلی ساختاری را سبب شده است. برخی از مناطق اصفهان به سوی معماری مدرن در حرکت است، برخی مناطق در فرمی از معماری سرگشته تاریخی - مدرن سرگردان است و برخی مناطق دیگر اساساً هیچ فرمی از معماری بر آن حاکم نیست و ساخت و ساز شهری بی‌هویت شده است. فراتر از این، خیابان‌سازی در اصفهان کنونی بیشتر از آنکه به ماهیت تاریخی و فرهنگی شهر توجه داشته باشد، تبدیل به پدیده‌ای سرمایه‌ای شده است. هدف از خیابان‌سازی تولید و انباشت سرمایه است نه تداوم زاینده‌گی اصفهان.

مصاحبه‌شونده: اصفهان یک مقدار بی در و پیکر شده است. مثلاً شهرک کشوری یا در اطراف شهرک‌هایی به وجود آوردن. چون زمین به جای ارزان بوده کوهپایه بوده مثلاً شهرک کشوری. زمین مناسب و ارزان بوده. این‌ها دارن بورس‌سازی می‌کنند و این حساب و کتابی در کار نیست.

بی‌تعادلی ساختاری و تاریخ‌زدایی از ساختار شهری اصفهان عاملی مهم در ویرانی زیستی این شهر بوده است. خشک‌سالی و به‌طور خاص خشک شدن زاینده‌رود در این زمینه نقشی بنیادی ایفا کرده است. بحران آب و متعاقب آن خشک شدن زاینده‌رود سبب شده است که ماهیت زاینده‌گی اصفهان به خطر بیفتد. زاینده‌رود نقشی محوری در همه ابعاد اصفهان (از

خیابان‌سازی و شهرسازی گرفته تا سلامت روانی و اجتماعی) داشته است. حتی در برخی موارد زاینده‌رود تبدیل به نماد هویتی اصفهان شده است. طبیعی است که خشک شدن آن و در کنارش بحران شدید کم‌آبی و خشکسالی هویت وجودی و زیستی اصفهان را با خطر جدی مواجه سازد. در کنار این مسائل، آلاینده‌گی‌های محیطی که در بسیاری مواقع نتیجه بی‌تدبیری‌های مدیریتی در سطوح مختلف بوده است، فضای زیستی اصفهان را مسموم کرده و طبیعتاً سبب بی‌دروپیکری گردیده است.

مصاحبه‌شونده: خوب در تمام صحبت‌هایی که در گوشه و کنار می‌شود می‌گن اصفهان که داره از بین میره، فرونشست میکنه. یک دلیل زمین خشک شدن زاینده‌رود و اگر این ادامه پیدا کنه خانه‌ها خشک میشه و مطمئن باشید این آثار تاریخی از بین خواهد رفت. علاوه بر این تغییر کاربری‌های متعدد در اصفهان سبب شده است که بخش عمده‌ای از باغات اصفهان از بین رفته و جای آن را ساختمان‌های بلندمرتبه‌ای بگیرد که هیچ تناسبی با ساختار هویتی و فرهنگی - تاریخی اصفهان نداشته باشد. باغ‌های اصفهان یکی از فضاهای زیستی شهر بوده است که سبب ماندگاری افراد زیادی در این شهر شده است. اما به مرور که این باغ‌ها از بین رفته‌اند، هم سیل مهاجرت اصفهانی‌ها به شهرهای دیگر (از جمله شهرهای شمالی) افزایش پیدا کرده است و هم جذابیت زیستی آن به مرور در حال از بین رفتن است. این مسئله وقتی معنادارتر می‌شود که در کنار دیگر عوامل ویرانی فضایی مانند کم‌آبی، آلودگی هوا، خشک شدن زاینده‌رود، فرونشست زمین و ... قرار بگیرد.

همچنین تغییرات فضایی درون شهری دیگری مانند تغییر فضای محلات سبب شده است که هم شهروندان اصفهانی از این محلات مهاجرت کنند و هم بافت فرهنگی و تاریخی این محلات از بین برود. دلیل عمده این تغییرات سازگار نمودن بافت محلاتی با الزامات زندگی مدرن بوده است، اما در واقع نه تنها این اتفاق نیفتاده است بلکه بافت همسایگی این محلات نیز از بین رفته است. قبلاً در هر محله خانواده‌های زیادی زندگی می‌کردند اما در تغییر بافت محلات و مهاجرت افراد از فرهنگ‌های مختلف به این محلات، بافت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها به هم ریخته و به مرور ماهیت خانوادگی و همسایگی در آن‌ها از بین رفته و غریبه‌گی زیستن در محله جای آن را گرفته است.

یکی دیگر از مقولات استعاری که سبب ترک‌خوردگی زیستی در اصفهان شده است، گسیختگی فرهنگی است. هنر و موسیقی اصفهان که در جنبه‌های مختلف مولد مکتب‌های مختلفی بوده است و حتی در سطح جهانی نام آشنا بوده است، اکنون به ورطه ویرانی و نابودی کشانده شده است. معماری اصفهان مکتب عظیمی از معماری بوده است که سبب

جذب توریست‌هایی از اقصا نقاط جهان شده است، اما اکنون در شهر اصفهان تقریباً هیچ تلاشی برای حفظ یا بازتولید این معماری دیده نمی‌شود. صنایع دستی یکی دیگر از عناصر فرهنگی قابل توجه اصفهان بوده است که به گفته یکی از فعالان قدیمی این صنعت در اصفهان، در وضعیت فعلی از لحاظ اقتصادی کاملاً ورشکسته شده و در مرز ویرانی کامل قرار گرفته است. این مسائل در کنار ویرانی آثار فرهنگی اصفهان است که روزبه‌روز از ارزش‌های فرهنگی و تاریخی آن‌ها کاسته می‌شود.

مصاحبه‌شونده: من صحبت می‌کردم با آن‌هایی که هنوز در صنایع دستی هستند. چیزی نمونده. بعضی‌ها به بچه‌هاشون کاری یاد دادن و کار بلد هستن. میناکاری، مینیاتور، خاتم کاری و ... اما می‌گن خوب صبح تا شب باید چیکار کنیم. این روی دست ما بماند؟ الان صنایع دستی واقعاً درآمدی نداره و به همین دلیل دیگه نسلش از بین رفته.

به هم ریختگی نهادی

شهرداری مهم‌ترین نهاد مدیریت شهری است. بر مبنای تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده با شهروندان و متخصصان حوزه مسائل شهری در اصفهان، شهرداری این شهر عملکرد مناسبی نداشته و وجهه مطلوبی بین شهروندان ندارد. شهرداری اصفهان از لحاظ مدیریتی دچار کم‌تدبیری است و فرمی از ناهماهنگی نهادی بر آن حاکم است. رویه‌های بروکراتیک ناکارآمد بر سیستم مدیریتی و اداری شهرداری حاکم است که مسائل و چالش‌هایی متعدد را برای شهرداری به وجود آورده است. کند بودن این سیستم در اثر فرآیندهای پیچیده بروکراتیک سبب شده است که امور شهروندان در زمان‌هایی طولانی انجام شوند و همین امر سبب نارضایتی و بی‌اعتمادی آنان به شهرداری شده است. علاوه بر این، این بروکراسی ناکارآمد و فرسوده سبب شده است که رانت و فساد نیز در آن گسترش پیدا کند و مدیران نتوانند به صورت مداوم و سیستماتیک بر زیر مجموعه‌های خودشان نظارت کافی داشته باشند؛ زیرمجموعه‌هایی که عموماً منابع فساد اداری و مالی در شهرداری هستند. علاوه بر این، نوعی سردرگمی نهادی نیز در شهرداری حاکم است. برای نمونه این وضعیت را می‌توان در تلاش شهرداری اصفهان برای برون‌سپاری از یک طرف، و دخالت بیش از حد از طرف دیگر مشاهده نمود.

مصاحبه‌شونده: توی شهرداری هنگامی که می‌خواهند برنامه ارائه بدهند می‌گویند که تراکم بد است و ماده صد هم که اصلاً استفاده نمی‌کنیم. اما می‌آیند سرکار اولین جایی که می‌روند چندین درصد تراکم را افزایش می‌دهند و دقیقاً دنبال همین ماده ۱۰۰ می‌روند.

مسئله دیگری که به این سردرگمی نهادی افزوده است، عدم تداوم سیاست‌های شهری در شهرداری است که نتیجه بی‌ثباتی مدیریتی است. مدیران شهری به‌طور مداوم تغییر پیدا می‌کنند و به دلیل وابستگی سیاست‌های شهری به مدیران (که البته نامطلوب است) سیاست‌های شهری نیز ناپایدار می‌شوند. به هر حال این عوامل سبب فرمی از سر در گمی نهادی در شهرداری از یک طرف و سردرگمی شهروندان از طرف دیگر شده است. برآیند نهایی این مسئله افزایش بی‌اعتمادی نهادی شهروندان به شهرداری است. شهروندان در هنگام مراجعه به شهرداری احساس می‌کنند که مزاحم هستند به حدی با آنان برخورد نامناسب صورت می‌گیرد. کارمندان شهرداری دارای فرمی از غرور سازمانی هستند و خودشان را بالاتر از شهروندان و مراجعین می‌دانند. علاوه بر این آنان راهنمایی صحیحی در مورد مسائل مختلف به شهروندان و مراجعان ارائه نمی‌دهند و به اصطلاح آنان را در دالان‌های بروکراتیک شهرداری سرگردان می‌کنند. به هر حال، تعریف شهروندان به‌عنوان «دیگری» شهرداری سبب شده است که ما شاهد مردم‌زدایی از این نهاد باشیم. شهرداری به نظر با این وضعیت به دنبال حذف و طرد شهروندان و مردم از شهر است. منظور طرد فیزیکی نیست، بلکه منظور حذف مردم و شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری است. دخالت حداکثری در زندگی شهروندان از یک طرف، عدم نظرخواهی از آنان در مورد مسائل و طرح‌هایی که مستقیم با پیامدهای آن مواجه خواهند شد. رفتار شهرداری با شهروندان نامناسب است و نوعی اقتدارگرایی بر آن حاکم است. شهروندان معتقدند که شهرداری در این زمینه به شهروندان ظلم و ستم روا می‌دارد و بر اساس قوانین و به‌صورت عادلانه با آنان برخورد نمی‌کند. همچنین برخورد کارکنان شهرداری با مراجعین قلدرمآبانه و غیر اخلاقی است که همین امر سبب ایجاد یک دیدگاه منفی در میان شهروندان نسبت به شهرداری شده است.

مصاحبه‌شونده: متأسفانه باید این رو خدمتون عرض کنم شهرداری که مراجعه می‌کنید انگاری مزاحم آن‌ها هستید. یعنی باید قشنگ خیردار وایسید و گرنه می‌گویند که برو فردا بیا. قلدرمآبانه واقعاً هست.

همچنین، شهرداری از استقلال مالی و اقتصادی برخوردار نیست و منابع اقتصادی پایداری در آن وجود ندارد. ساخت و ساز شهری در اصفهان ماهیتی سرمایه‌ای پیدا کرده است و آنچه بر آن حاکم است، سود و منفعت اقتصادی است نه منفعت شهری و شهروندان.

مصاحبه‌شونده: مثلاً ببینیم یک خیابانی به نام منطقه خیابان امام رضا آمده‌اند نزدیک هزار واحد آپارتمانی یکجا علم کردند. مدرسه طراحی نشده برای منطقه. چرا چون شهرداری میدونسته بالاخره موقعی که جمعیت میاد اول میاد به حسابش بالاخره عوارض میاد به

حسابش. برای جواز برای بقیه مسائل. اما دیده نشده که اینجا مدرسه لازم داره خود شما نگاه کنید نه مدرسه نه مسجد نه حسینیه.

در نهایت، شهرداری اصفهان برنامه منظم و منسجمی برای مدیریت فرهنگی ندارد و از آن به مثابه ابزاری برای کاستن از وجهه اقتدارگرایانه بخش‌های دیگر استفاده می‌کنند. دخالت فرهنگی شهرداری در جامعه بیشتر برنامه‌محور و پروژه‌محور است تا استراتژیک بودن. در واقع، شهرداری بیشتر علاقه‌مند به درگیری ذهنی و غیر واقعی با مسائل اجتماعی است تا درگیری عینی و واقعی. شهرداری تلاشی برای حل مسائل فرهنگی و اجتماعی نمی‌کند بلکه در بهترین حالت، آن‌ها را شناسایی می‌کند. در برخی موارد نیز با برخوردهایی خشن تنها صورت مسائل را پاک می‌کند. برای نمونه برخورد خشن با دست‌فروشی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی - فرهنگی نه تنها موفقیت‌آمیز نیست بلکه به نوعی پاک کردن صورت مسئله است. بنابراین به‌طور کلی به نظر می‌رسد که شهرداری به دنبال مسئله‌مندی مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه نیست.

مصاحبه‌شونده: من حقیقتاً حرکت شاخصی نمی‌بینم. حالا ممکن است یک کرشمه‌ای در حوزه فرهنگ بیاید، اما اصلاً آن قدر پررنگ نیست. حوزه فرهنگ شهرداری در مقایسه با ساخت و ساز و عمرانی که انجام می‌دهد و آنجا هم اتفاقاً محل نارضایتی است، چند درصد است؟ یکی از دوستان توی مرکز پژوهش‌های شورا می‌گفتند که پیمایش صورت گرفته است و نتیجه نشان داده که شهروندان هیچ درگیری در برنامه‌های فرهنگی ورزشی وابسته به شهرداری نداشتن.

سرگشتگی اجتماعی

علاوه بر به هم ریختگی نهادی و ترک‌خوردگی زیستی، شهر اصفهان در وضعیت موجود درگیر نوعی سرگشتگی اجتماعی و رفتاری است که نمود عینی آن را می‌توان در تحولات نظام ارزشی و رفتاری شهروندان اصفهانی دید. شهروندان اصفهانی همیشه در طول تاریخ مسئولیت‌پذیری بالایی داشته‌اند که وضعیت متمایز اصفهان نسبت به شهرهای دیگر ایران از هر لحاظی، نشانی از این مسئولیت‌پذیری بوده است. وجود هیأت‌ها و خیریه‌های فراوان در شهر اصفهان یکی دیگر از نشانه‌هایی بوده است که بیانگر اهمیت «دیگری» در اصفهان و مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به وضعیت شهروندان دیگر بوده است. به هر حال این وضعیت به تقویت همبستگی اجتماعی در ابعاد مختلف در شهر اصفهان منجر شده بود. اما در وضعیت موجود ما شاهد این مسئله هستیم که مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به یکدیگر

کاهش پیدا کرده و حتی در برخی موارد فرمی از بی‌مسئولیتی اجتماعی بر زیست اجتماعی شهروندان اصفهانی حاکم شده است. آنان نسبت به دیگران و مسائل مختلف اجتماعی موجود در شهر اصفهان بی‌تفاوت شده‌اند و فرمی از فردگرایی بر آنان حاکم شده است که تنها به خود اهمیت داده و تنها منافع فردی خودشان را در اولویت قرار می‌دهند. این امر سبب گسترش خودخواهی در این شهروندان و نادیده‌انگاری دیگران شده است.

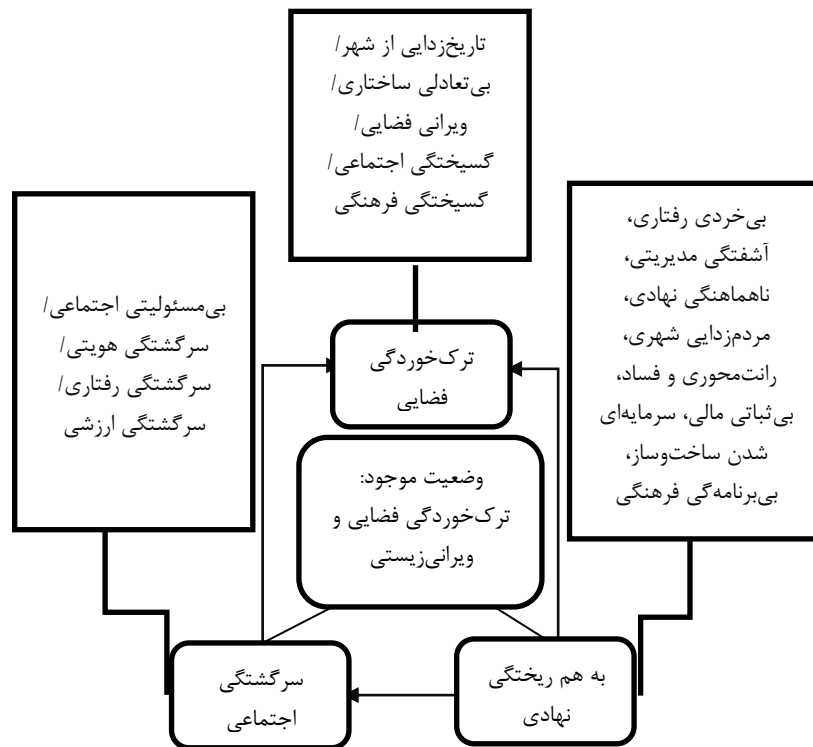
مصاحبه‌شونده: مسئولیت‌پذیری صد در صد کمتر شده است با توجه به شرایط جامعه. هر کسی سفت و سخت کلاه خودش را حفظ می‌کند. با توجه به اوضاع و احوال حاکم شرایط فراهم شده است که دیگه هر کسی باید سفت و سخت بچسبد به کار خودش و یک مقداری نسبت به اطرافیان نزدیک به خودش هم.

هویت اصفهانی در وضعیت موجود دچار فرمی از سرگستگی است و تکه‌تکه شده است. آداب و رسوم و انگاره‌های رفتاری و هنجاری که منابع معنابخش شهروندان اصفهانی بودند رنگ باخته‌اند و فرمی از درهم‌ریختگی عناصر هویتی شکل گرفته است. سنت که جوهر هویت اصفهانی بوده است به دست فراموشی سپرده شده است و تا حدودی از بین رفته است اما هیچ جایگزین خاصی برای آن به وجود نیامده است. شهروندان اصفهانی دچار لغزش‌هایی در زمینه تعلق به اصفهان شده‌اند؛ در حالی که در گذشته با افتخار اصفهانی بودن خودشان را یادآور می‌شدند. همه این عوامل سبب شده است که شهروندان اصفهانی دچار فرمی از سرگردانی هویتی شوند.

مصاحبه‌شونده: من تجربه زیسته خودم را بگویم. خوب من معلم بودم و جاهای مختلف اصفهان بوده‌ام اگر بخواهم کوچه بازاری بگویم من می‌توانم بگویم که آش شله قلمکار است. هر چیزی را فانتزی‌اش را می‌خواهند طرف مذهبی است اما تهش می‌بینید که مرجع تقلیدش تتلو است.

عقلانیت محوری، مقتصد بودن، هوشیاری، دگرخواهی، پشتکار، روحیه کار جمعی و ... از جمله انگاره‌های رفتاری شهروندان اصفهانی است که در گذشته بنیادی برای تنظیم زندگی روزمره آنان بوده است اما در وضعیت موجود به شدت تضعیف شده و حتی جای آن‌ها را رفتارهای نامناسب گرفته است. بخشی از این تغییرات نتیجه مهاجرت بی‌رویه داخلی و خارجی (بیشتر از افغانستان) به اصفهان بوده است که فرمی از تعارض فرهنگی و اختلاط اجتماعی را در اصفهان به وجود آورده است که در نتیجه آن انگاره‌های رفتاری اصفهانی به مرور تضعیف شده و حتی جای آن‌ها را انگاره‌های رفتاری مهاجرین گرفته است. تحولات جهانی سریع در عصر کنونی نیز در تغییر این رفتارها نقش داشته است. با این وجود برخی از

رفتارهای ضد توسعه ریشه تاریخی دارند. هر چند این رفتارها در دوره‌های گذشته ممکن بود که کارآمد باشند، اما در وضعیت کنونی کارآمدی خودشان را از دست داده‌اند. مصاحبه‌شونده: چیزی که در خلق اصفهانی زیاد است، چالش‌گری است. به سبب قدرتمند بودن نظام ذهنی، رویکرد مواجهه انتقادی آن‌ها با پدیده‌ها بسیار بالاست. یک اصفهانی وقتی به یک انسان دیگری می‌رسد تا از او مطمئن نشود و او را به چالش نکشد مورد استقبال قرار نمی‌دهد؛ در حالی که یک انسان توسعه‌یافته خیلی باید گسترده و باز عمل کند. شما مشخصاً در تهران که می‌روید پرستار می‌آورند توی خانه‌شان برای نگهداری سالمندان. اینجا توی اصفهان این مسائل نیست.



شکل ۱: دیاگرام مفهومی وضعیت موجود اصفهان؛ ترک خوردگی فضایی و ویرانی زیستی
Figure 1: Conceptual Diagram of the Current Situation of Isfahan; Spatial Fragmentation and Spatial Destruction

وضعیت مطلوب: زاینده‌گی زیستی و سرزندگی اجتماعی

همان‌طور که بحث شد، در وضعیت موجود با ما فرمی چالش‌برانگیز از اصفهان به‌عنوان یک کلان‌فضای شهری مواجه هستیم. تداوم چنین وضعیتی اصفهان را در معرض ویرانی زیستی و فضایی قرار داده و ماندگاری آن را زیر سؤال می‌برد. به همین دلیل نیاز است که در وضعیت مطلوب این استعاره‌ها به کلی دگرگون شوند تا اصفهان بتواند به جاودانگی و ماندگاری خودش ادامه بدهد، شهرداری تبدیل به یک نهاد کارآمد و مردمی شود و اعتماد از دست رفته شهروندان به آن ترمیم شود و سرگشتگی هویتی شهروندان نیز بازسازی گردد. به هر حال، وضعیت موجود اصفهان چندان مناسب نیست و نیاز جدی به فرمی از بازسازی معنایی و عینی در همه ابعاد آن دیده می‌شود. بر مبنای تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده با شهروندان و متخصصان، این بازسازی در سه حوزه باید صورت بگیرد: بازسازی ساختار و فضای شهری، بازسازی نهادی شهرداری و بازسازی نظام رفتاری - هویتی شهروندان.

۱. زاینده‌گی زیستی

همان‌طور که بحث شد، اصفهان از لحاظ ساختار فضایی شهری دچار نوعی ترک‌خورده‌گی شده است؛ بی‌تعادلی ساختاری بر آن حاکم شده است، از معماری و ساخت و ساز شهری آن تاریخ‌زدایی شده است، گسیختگی فرهنگی و اجتماعی بر آن غالب شده است و به‌طور کلی در وضعیتی قرار گرفته است که تداوم برای آینده آن می‌تواند خطرناک باشد. شهروندان و متخصصانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است معتقدند که اصفهان دارای ظرفیت‌ها و داشته‌های فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و اجتماعی فراوانی است که در صورت بازسازی می‌توانند اصفهان را دوباره به وضعیت مطلوب بازگردانند. این ظرفیت‌ها و جوهره‌ها سبب تولید و زاینده‌گی اصفهان در حوزه‌های مختلفی مانند علم، هنر، معماری، ادبیات، سیاست و ... در طول تاریخ شده است. مفصل‌بندی این حوزه‌های زاینده‌گی در کنار یکدیگر می‌تواند زاینده‌گی اصفهان در آینده را نیز تضمین نماید، اما شواهد کنونی نشان از این دارد که سیری نزولی در این زمینه در اصفهان را شاهد هستیم و روز به روز از زاینده‌گی آن در حوزه‌های مختلف کاسته می‌شود. بنابراین برای تداوم وضعیت جاودانگی و زاینده‌گی اصفهان نیاز جدی به بازتولید زاینده‌گی در این حوزه‌ها در اصفهان وجود دارد. یکی از این حوزه‌های بازسازی زاینده‌گی، ایجاد پیوند بین هویت فرهنگی - تاریخی اصفهان و سبک معماری و ساخت و ساز

شهری است، مسئله‌ای که در طول تاریخ در اصفهان یکی از نمادهای عینی هویت اصفهانی بوده است.

مصاحبه‌شونده: اولاً باید بدانیم که هر اثری که به این شهر اضافه شده است از چه خاستگاه فرهنگی و تاریخی آمده است. همه این‌ها باید نسبت‌های تاریخی داشته باشند. کل تاریخ اصفهان در این حالت می‌تواند زاینده باشد.

بنابراین، نیاز است که روح تاریخ و فرهنگ اصفهانی به کالبد اصفهان نوین دمیده شود تا اصفهان دوباره تبدیل به شهری زاینده شود. نیاز است که جوهره‌های ماندگاری و جاودانگی اصفهان از تاریخ عاریت گرفته شده و دوباره در مسیر زایندگی اصفهان جاری شوند. البته نباید تنها به عاریت از تاریخ بسنده نمود، بلکه نیاز است عناصر مدرن جدید نیز به کالبد شهر دمیده شود. تبدیل شدن اصفهان به یک شهر هوشمند و الکترونیکی در کنار تاریخ‌زایی هویتی حالت مطلوب و ایده‌آل زایش معنایی در اصفهان است. به هر حال در حالتی زایندگی فضایی اصفهان رخ خواهد داد که این شهر برای همه معنایی جهت‌ارائه داشته باشد. با وجود عوامل مختلفی که بحث شد، زاینده‌رود و پایداری آن به نظر مهم‌ترین عامل در زایش زیستی اصفهان در آینده خواهد بود. اگر زاینده‌رود از بین برود، بسیاری از معناهای زیستی در اصفهان نیز از بین خواهد رفت. بنابراین تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری جدی در زمینه مشکل زاینده‌رود باید بنیاد نظام تصمیم‌گیری اصفهان در آینده مطلوب باشد. آینده مطلوب اصفهان بدون زاینده‌رود حرف خاصی برای گفتن نخواهد داشت.

مصاحبه‌شونده: اصفهان مرکز هنر و موسیقی و ادبیات، اصفهان تاریخ و تمدن و آثار باستانی دارد که در هیچ جای دیگری از دنیا در هیچ شهری نمی‌تونید پیدا کنید. این شهر خودش یک موزه است. اینها باید دوباره رونق بگیره. زاینده‌رود اصفهان که بود اصفهان را زنده نگه داشته بود. از اول به خاطر این زاینده‌رود و در کنار اینجا شهر بنا شده بود. زاینده‌رود باید پر آب بشه تا صنعت توریسم در این شهر توسعه پیدا کند و میلیون‌ها نفر در سال از این شهر بازدید بکنند.

در کنار این مسئله، نیاز جدی به بهبود وضعیت زیست‌محیطی اصفهان وجود دارد. اصفهان کنونی با چالش‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی، کم‌آبی، خشکسالی، خشکی زاینده‌رود، فرونشست و ... مواجه است که نیاز است در مورد این مسائل در سطوح مختلف مدیریتی و سیاسی تدابیری اندیشیده شود. بدون حل این مسائل زایش زیستی نه تنها در اصفهان رخ نخواهد داد، بلکه ما شاهد ویرانی زیستی در این شهر نیز خواهیم بود.

۲. انسجام نهادی و کارکردی

همان‌طور که بحث شد، شهرداری به‌عنوان مهم‌ترین نهاد شهری در اصفهان، دارای چالش‌ها و مسائل متعددی است که هم‌کارایی آن را تضعیف نموده است و هم مشروعیت آن نزد شهروندان را کاهش داده است. تداوم این وضعیت هم‌فضا و ساختار شهری اصفهان را در معرض خطرات بیشتری قرار می‌دهد و هم اعتماد نهادی شهروندان به نهادهای شهری در آینده را از بین می‌برد. شهروندان و متخصصانی که با آن‌ها مصاحبه انجام شده است، برای رهایی از این وضعیت چند راهکار بنیادی ارائه داده‌اند: مردم‌مداری، کارآمدی نهادی، آینده‌نگری، پایداری درآمدی، عدالت‌محوری، بازسازی اعتماد، مداخله فرهنگی، قانون‌مداری منعطف، انسان‌محوری مواجهه و فسادستیزی. مفصل‌بندی و تعامل این راهبردها با یکدیگر می‌تواند سبب انسجام نهادی و کارکردی شهرداری شود.

شهرداری اصفهان در وضعیت موجود از لحاظ کارآمدی نهادی در موقعیت نامناسبی قرار دارد. برای رهایی از این نیاز است تغییرات نهادی زیادی در جهت کارآمدی خود انجام بدهد. یکی از عوامل کلیدی در این زمینه سیاست‌زدایی از مدیریت شهری است. شهرداری اصفهان همانند بیشتر شهرداری‌های کشور به نوعی با سیاست درآمیخته است. این مسئله سبب شده است که منافع سیاسی بر منافع عمومی شهروندان غالب شود و اعتماد شهروندان به شهرداری به مرور دچار فرسایش شود. علاوه بر این، سیاست‌زدگی مدیریت شهری سبب ناکارآمدی شهرداری نیز شده است زیرا انرژی و هزینه زیادی را باید برای برآورده کردن خواست‌های سیاسی انجام بدهد که اگر در مسیرهایی دیگر انجام می‌شد عملکرد بهتری از شهرداری بر جای می‌گذاشت. فراتر از سیاست‌زدایی از مدیریت شهری که پیش‌نیازی برای کارآمدی نهادی است، لازم است شهرداری در فعالیتهای مدیریتی و شهری از نیروهای متخصص و کارآمد استفاده نماید. فشار برخی نهادها برای استفاده شهرداری از نیروهای غیر متخصص می‌تواند پیامدهای نهادی ناگواری برای شهرداری به دنبال داشته باشد.

مصاحبه‌شونده: ما خیلی وقت‌ها در رابطه با یک سری مشکلات خیلی راهکارهایی داریم اما به همان شکل قبلی سال‌ها ادامه می‌دهیم ولی اگر بتوانیم از آدم‌های متخصص استفاده کنیم که ایده‌های جدید بدهند خوب این خیلی خوب است به خاطر اینکه همه‌چیز در حال تغییر است.

همچنین نیاز است که هماهنگی بیشتری بین مناطق مختلف شهرداری اصفهان در جهت انسجام عملکردی به وجود بیاید. در وضعیت موجود برخی از شهروندان معتقدند که تعارض عملکردی بین مناطق و حوزه‌های مختلف وجود دارد که هم کارآمدی شهرداری را

تضعیف نموده است و هم تصویرسازی شهروندان از شهرداری را منفی نموده است. البته مناطق مختلف دارای خاص‌بودگی‌های فرهنگی، اجتماعی و شهری خودشان هستند و به نظر اگر سبک‌های مدیریتی متفاوتی برای آن‌ها در عین هماهنگی درون‌نهادی اعمال شود، موفقیت بیشتری برای شهرداری به دنبال خواهد داشت. بحث دیگر در مورد پیمانکاران است که البته وضعیتی انحصاری نیز دارند. قبل از هر چیز نیاز است که شهرداری انحصارگرایی پیمانکاری را از بین ببرد و در گام بعد نظارت سیستماتیک و کاربردی بر فعالیت‌های پیمانکاران داشته باشد. فعالیت‌های پیمانکاران به نام شهرداری نوشته می‌شود و هر گونه تعرضی به حقوق شهروندان از سوی آن‌ها سبب کاهش مشروعیت اجتماعی شهرداری می‌گردد. در کنار این مسائل، الکترونیکی و هوشمندسازی شهرداری نیز می‌تواند در کارآمدی نهادی بهتر آن مؤثر باشد؛ اقدامی که در وضعیت کنونی نیز آغاز شده است و در صورت تقویت شدن و فراگیر شدن می‌تواند بسیاری از ناکارآمدی‌های نهادی شهرداری را از بین ببرد. آینده‌نگری در طرح‌های شهری و تصمیمات مرتبط با شهر و شهروندان نیز عاملی مهم در تقویت کارآمدی نهادی شهرداری است. واقع باید سیاست‌گذاری‌های کلان‌شهری فراتر از تحولات مدیریتی در شهرداری باشد و به‌عنوان مجموعه‌ای از بنیادهای تحول آتی شهر اصفهان در نظر گرفته شوند که هر مدیری مجبور به دنبال کردن آن‌ها باشد. برای نمونه طراحی یک بزرگراه یا احداث یک شهرک نیاز به پیش‌بینی تحولات شهری و جمعیتی در بازه‌ای ۵۰ ساله است. هنگام برنامه‌ریزی و طراحی این فضاهای شهری لازم است نیازها و ظرفیت‌های کالبدی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها برای این بازه زمانی لحاظ شود

مصاحبه‌شونده: هر کاری که بخواهیم انجام بدیم باید هزینه صرف کنیم. ایرادی نداره. اشکال کار اینه که هر کاری باید زیربنایی باشه. این که مثلاً همان‌طور که آقای ... فرمودند این پروژه که می‌خواد انجام بشه حداقل باید ۵۰ سال آینده را در نظر بگیرند حداقل باید صد سال آینده را در نظر بگیرند. حداقل باید صد سال آینده برنامه‌ریزی بشه، طراحی بشه، فکر بشه.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که برای ایجاد انسجام نهادی و کارکردی در شهرداری ضروری است، مردم‌مداری است. در وضعیت موجود، رفتار کارکنان شهرداری با مراجعین به گونه‌ای قلدرمآبانه و از بالا است که نیاز است این مسئله کاملاً تغییر پیدا کرده و همانند بسیاری از نهادهای دیگر، مشتری‌مدار و حق با مشتری بودن تبدیل به بنیاد برخورد کارکنان شهرداری با مراجعین شود. علاوه بر این نیاز است که حقوق شهروندی در همه ابعاد آن توسط شهرداری رعایت شود. این مسئله سبب خواهد شد که اعتماد شهروندان به شهرداری بیشتر شود و آن

را نهادی ببینند که در صورت ضایع شدن حقوق شهروندی‌شان، از آنان دفاع خواهد کرد. علاوه بر این نیاز است که فاصله مدیران با شهروندان کاهش پیدا کرده و پدیده پشت میزنشینی مدیران از بین برود. مدیرانی که وارد فضاهای شهری نشوند و مسائل را از نزدیک لمس نکنند توان اینکه مدیران مردمی باشند، ندارند. نظرسنجی واقعی و مداوم شهرداری از شهروندان در مورد طرح‌ها و برنامه‌هایی که قرار است در سطح شهر انجام شود نیز عامل دیگری در تقویت مردم‌مداری شهرداری است. این نظرسنجی‌ها هم می‌تواند قبل از انجام طرح‌ها باشد، هم در حین اجرا و هم پس از اجرا. چنین نظرسنجی‌هایی هم می‌تواند مشروعیت شهرداری در بین شهروندان را تقویت کرده و اعتماد نهادی فرسایش یافته را ترمیم نماید و هم می‌تواند فاصله ذهنی ایجاد شده بین شهرداری و شهروندان را کاهش بدهد. مهم‌تر از نظرسنجی از شهروندان، کاربردی کردن این نظرات در مدیریت شهری است. برگزاری جلسات مستمر با شهروندان به صورت محله‌ای نیز می‌تواند در بهبود و ترمیم اعتماد از دست رفته کاربرد داشته باشد. علاوه بر این شهرداری بهتر است که طرح‌های مشارکت مردمی را به صورت جدی‌تر دنبال کرده و البته منافع شهروندان را در این طرح‌ها مدنظر داشته باشد و تنها به منافع نهادی خود فکر نکند. همانند بحث نظرسنجی، اگر شهروندان احساس کنند که در این مشارکت‌ها منافع آنان ضایع می‌شود نه تنها اشتیاقی برای همکاری نخواهند داشت، بلکه اعتماد آنان به شهرداری نیز تضعیف خواهد شد.

مصاحبه‌شونده: اگر قرار باشه محرومیت‌زدایی بشه خیلی از جمعیت اصفهان توی حاشیه‌ها هستند نه مرکز شهر. یکی از این مسئولین تو این حاشیه‌ها زندگی نمی‌کنند. اصلاً نمی‌فهن توی حاشیه چه خبر است. اگه بخواد پیشرفت کنه آقایان و مسئولین باید از پشت میز بلند شوند و برند حاشیه‌ها زندگی کنند.

مصاحبه‌شونده: باید شهرداری اعتمادسازی را یاد بگیرد. شهرداری باید اعتماد ایجاد کند اما این کار را نمی‌کند. بیشتر در زمینه مشارکت بوده است. اینطوری بوده است که وقتی گاری خوب می‌چرخیده است شهرداری سوار گاری شده. قبل از هر چیز اعتمادسازی لازمه.

۳. سرزندگی اجتماعی

همان‌طور که بحث شد، نظام هویتی و رفتاری شهروندان اصفهانی در وضعیت موجود دچار آشفتگی و سرگستگی شده است. تداوم این وضعیت می‌تواند آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی را در اصفهان تشدید نماید. برای رهایی از این وضعیت نیاز است که ساختار هویتی

شهروندان اصفهانی بازسازی شود، نظام رفتاری و ارزشی آنان بازسازی شود و مسئولیت‌پذیری آنان در برابر شهر و شهروندان دیگر تقویت شود.

قبل از هر چیز نیاز به تقویت حس تعلق شهروندان اصفهانی به این شهر وجود دارد. در دوران گذشته شهروندان اصفهانی با افتخار خودشان را یک اصفهانی قلمداد می‌نمودند اما به نظر می‌رسد این مسئله امروزه به‌ویژه در میان نسل جوان به شدت رنگ باخته است. برای بازسازی هویتی شهروندان اصفهانی در گام اول نیاز به تقویت این حس تعلق است که خود می‌تواند به انسجام‌بخشی هویتی شهروندان نیز منجر شود. این انسجام‌بخشی با پیوند تکه‌های تاریخی و مدرن هویت اصفهانی ممکن می‌شود. علاوه بر این نیاز به بازآرایی سنت اصفهانی با وضعیت امروزین جامعه نیز احساس می‌شود. سنت باید به گونه‌ای بازآرایی شود که برای وضعیت کنونی و به‌ویژه نسل نوین اصفهانی‌ها حرف‌هایی برای گفتن داشته باشد. آداب و رسوم اصفهانی نیز در همین راستا نیاز است که به‌روز شده و با اقتضائات روز سازگار شوند. تعارضات هویتی در اصفهان روز به روز در حال افزایش است و این سبب گسست اجتماعی و فرهنگی در اصفهان شده است. نیاز است که این تعارضات کاهش پیدا کرده و حتی از بین بروند. اصفهانی بودن باید به‌عنوان یک جوهره هویتی نگریسته شود که سبب کاهش این تعارضات هویتی و معنایی شده و همگرایی را افزایش خواهد داد. بنابراین در حالت مطلوب ما با یک شهروند اصفهانی مواجه هستیم که نسبت به اصفهان حس تعلق قوی دارد، خودش را یک شهروند اصفهانی می‌داند و تلاش می‌کند به هر طریق ممکن همگرایی هویتی و اجتماعی در اصفهان را تقویت نماید. در چارچوب این بازسازی هویتی، نظام ارزش‌ها و رفتارهای شهروندان اصفهانی نیز بازسازی می‌شود.

مصاحبه‌شونده: یه بحثی که آقای ... فرمودند بحث اخلاق‌مداری بود که اصفهانی‌ها نسبت به همسایه‌های خودشون خیلی عنایت داشتند و از حال همسایه خبر داشتند؛ و حتی شما اگر تشریف ببرید تخت فولاد چقدر اصفهانی عمق کار را می‌بیند. سنگ قبرها را جوری تعبیه کردند که حتی برای آشامیدن آب پرندگان هم این نگاه بود. خوب متأسفانه تا نسبت به همسایه خودش الان غافل شده است. حتی بحث وقف که صدقه جاریه بوده است چقدر در اصفهان حرکت خوبی بوده است مراکزی بوده است رشد می‌کردند و آیندگانی که ما هستیم الان سر سفره آن‌ها هستیم. این جایگاه باید حفظ شود و احیا کنیم آن را.

عناصر رفتاری شهروند اصفهانی در وضعیت مطلوب برگرفته از فرهنگ و تاریخ اصفهان مانند صداقت، مقتصد بودن، باریک‌بینی، واقع‌بینی، آینده‌نگری، حسابرسی و دارا می‌باشد و آن‌ها را مبنای رفتارها و کنشگری روزمره خودش قرار می‌دهد. وی همزمان که به منافع

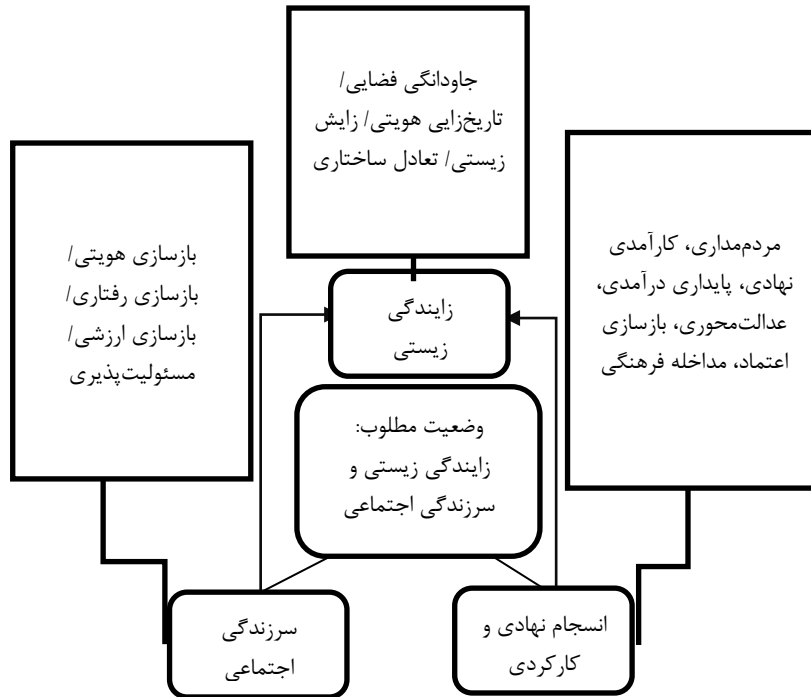
خودش اهمیت می‌دهد، منافع و خواست‌های دیگران را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. او به دیگران اعتماد دارد و بر مبنای این اعتماد با آن‌ها در سطوح مختلف مبادله می‌کند. شهروند اصفهانی در وضعیت موجود، تنها به ارتباط درون‌فرهنگی با شهروندان اصفهانی دیگر نمی‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند تا با جوامع و فرهنگ‌های دیگر ارتباط سیستماتیک داشته باشد و سرمایه اجتماعی بین‌گروهی را تقویت نماید. در این وضعیت است که می‌توان انتظار داشت تکه‌های شکسته رفتار شهروندان اصفهانی به یکدیگر متصل شده و بازآرایی رفتاری را شاهد باشیم.

مصاحبه‌شونده: خلق اصفهانی ارتباط‌گری با امر بیرونی آن ضعیف است. یعنی اگر شما خواهان زایش معنا هستید باید اصفهانی را از لاک خودش در بیابورید و بگویند با دیگران ارتباطات بیرونی بگیرد. که این توی ما خیلی ضعیف است.

اعتقادات دینی یکی از بنیادهای هویتی و فرهنگی در اصفهان بوده است و همواره مورد توجه قرار داشته است و بخشی اساسی از نظام ارزشی اصفهانی بوده است. در وضعیت موجود این اعتقادات تضعیف شده است. به نظر نیاز به تقویت این اعتقادات در میان شهروندان اصفهانی البته با روش‌های نوین وجود دارد. ارزش‌های اخلاقی نیز در میان شهروندان اصفهانی در وضعیت معرق کاشی اهمیت بنیادی پیدا می‌کند. تعاملات خانوادگی به طرق مختلف و نوین بازسازی می‌شوند. روابط همسایگی که بنیادی برای همبستگی اجتماعی شهروندان اصفهانی بوده است، به دلایلی که بحث شده دچار فرسایش شده است. در وضعیت مطلوب این روابط در مسیرها و سطوح نوین لازم است بازسازی شود. هر چند ممکن است که دیگر نتوان به صورت فضای محله‌ای کهن این روابط را بازتنظیم نمود، اما می‌توان با استفاده از ابزارهای نوینی مانند رسانه‌های مجازی این روابط را بازسازی نمود. در نهایت نیاز است که سبک زندگی اصفهانی که در گذشته بنیاد تداوم زیست اصفهانی بوده است، دوباره بازسازی شده و بر مبنای نیازها و الزامات کنونی شهروندان اصفهانی تقویت شود. در این وضعیت می‌توان به شکل‌دهی و اتصال دوباره تکه‌های شکسته شده نظام ارزشی شهروندان اصفهانی در وضعیت مطلوب امیدوار بود. بازسازی نظام ارزشی شهروندان اصفهانی گامی مؤثر در شکل‌دهی به معرق کاشی در وضعیت مطلوب خواهد بود.

مصاحبه‌شونده: «یکم سبک زندگی اسلامی داره کمرنگ میشه و متأسفانه زیادم بهش توجه نمیشه. اگر این بحث حالا یکم مانور بیشتری روش داده بشه یکم از لحاظ محله به محله و منطقه به منطقه و گزارش‌گیری سالانه باشه یا ماهانه باشه. هر طوری که باشه بحث

سبک زندگی اسلامی به کم بیشتر دقت بشه فکر کنم اکثر مشکلات اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ما حل میشه».



شکل ۲: دیاگرام مفهومی وضعیت مطلوب اصفهان؛ زاینده‌گی زیستی و سرزندگی اجتماعی
Figure 2: Conceptual Diagram of the Desired Situation of Isfahan; Spatial Fertility and Social Vitality

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی حیات شهری اصفهان بر مبنای دیدگاه شهروندان اصفهانی پرداخت. نتایج پژوهش بیانگر این بود که وضعیت حیات شهری اصفهان در دیدگاه شهروندان اصفهانی مناسب نیست. شهر اصفهان با وجود سنت‌های تاریخی و فرهنگی مطلوب که حافظ زیست‌پذیری شهری آن در طول تاریخ بوده است، اکنون درگیر چالش‌ها و مسائل متعددی است که سبب تضعیف زیست‌پذیری آن شده است. ساختار شهری و فضایی اصفهان در وضعیت موجود دچار فرمی از ترک‌خوردگی شده است. سنت‌های فرهنگی و تاریخی که در

وضعیت مطلوب باید خود را در معماری و ساخت و ساز شهری نمایان باشد، در وضعیت موجود نقش چندانی در ساخت و ساز شهری ندارد. در واقع، شاهد نوعی تاریخ‌زدایی از ساختار شهری اصفهان هستیم. ساخت و سازهای شهری دچار بی‌تعادلی شده‌اند، گسترش بی‌قواره فضای شهری و شکل‌گیری حاشیه‌ها و شهرک‌های بی‌برنامه در پیرامون اصفهان، این بی‌تعادلی را تشدید کرده است. همچنین آداب و رسوم و سنت‌های فرهنگی که در گذشته حافظ پیوندها و همبستگی‌های اجتماعی در فضای شهری اصفهان بود، در وضعیت موجود تضعیف شده‌اند. در کنار ترک‌خوردگی فضایی، شاهد به هم ریختگی نهادی نیز هستیم. بخشی از ترک‌خوردگی فضایی شهر اصفهان محصول عملکرد ضعیف نهادهای شهری و به‌طور خاص شهرداری اصفهان است. بر مبنای نتایج، شهرداری اصفهان دچار به هم ریختگی نهادی شده است. ناهماهنگی نهادی بر ساختار شهرداری غالب شده است، مردم و شهروندان نقش چندانی در تصمیمات و برنامه‌ریزی شهری ندارند، طرح‌های توسعه شهری پروژه‌محور شده و آینده‌نگری در آن‌ها رعایت نمی‌شود، ساخت و ساز شهری ماهیتی سرمایه‌ای و اقتصادی به خود گرفته است. نتایج این بخش پژوهش به‌طور کلی در راستای نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه زیست‌پذیری شهری اصفهان (Zahedi Yeganeh & et. al, 2023; Khavarian Garmsir & et. al, 2022; Akbari & et. al, 2018; Zargham Ravanbakhsh, 2022; Mahlouji & et. al, 2022) است.

نتایج این پژوهش‌ها نشان از نامناسب بودن وضعیت زیست‌پذیری اصفهان در ابعاد مختلف داشت که پژوهش حاضر نیز همین مسئله را تأیید نمود. به‌طور کلی سه مقوله در وضعیت موجود (ترک‌خوردگی فضایی، به هم ریختگی نهادی و سرگشتگی اجتماعی) در پیوند با یکدیگر قرار دارند و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر تفکیک نمود. عملکرد شهرداری به عنوان کلیدی‌ترین نهاد شهری بر وضعیت فضایی و ساختاری شهر اصفهان تأثیر مستقیم گذاشته است و این دو نیز سبب سرگشتگی رفتاری شهروندان شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت، شهرداری به جای اینکه یک نهاد شهری و اجتماعی باشد، تبدیل به یک نهاد اقتصادی و مالی شده است. این وضعیت سبب بی‌تعادلی ساختاری و ویرانی فضایی اصفهان شده است. در چنین وضعیتی شهروندان اصفهانی نیز دچار نوعی سرگشتگی هویتی و معنایی شده‌اند. رفتارهای آن‌ها ماهیتی فردگرایانه پیدا کرده است، نسبت به مسائل شهری بی‌مسئولیت شده‌اند و ارزش‌های اجتماعی نزد آنان تضعیف شده است.

تداوم این وضعیت، حیات اصفهان در آینده را به شدت تضعیف خواهد نمود. شهروندان اصفهانی راهبردهایی برای بهبود زیست‌پذیری شهری اصفهان ارائه داده‌اند که در وضعیت

مطلوب حیات شهری از دیدگاه آنان نمود پیدا کرده است. زاینده‌گی زیستی که در تاریخ اصفهان یک عامل محوری برای ماندگاری آن بوده است، باید دوباره در ساختار شهری اصفهان لحاظ شود. افزایش نقش تاریخ و سنت‌های فرهنگی در معماری و ساخت و ساز شهری، بهبود تعادل ساختاری و برقراری تناسب بین ساختار شهری و سنت‌های فرهنگی - تاریخی اصفهانی از جمله راهبردهایی هستند که می‌توانند به زاینده‌گی زیستی اصفهان کمک کنند. این نتایج در راستای دیدگاه لوفبور در زمینه فضای شهری قرار دارد. وی فضای شهری را نه یک پدیده طبیعی بلکه یک تمامیت تاریخی و اجتماعی قلمداد می‌کند. تغییر عملکرد نهادهای شهری و بازیگران حاضر در فضای شهری به‌طور کلی می‌تواند بر روابط، تعاملات و به‌طور کلی کیفیت فضای شهری تأثیرگذار باشد. لوفبور معتقد است که تولید فضا یا مکان در دوره‌های مختلف تاریخی متفاوت بوده است، بدین معنی که تغییر بازیگران، تغییر موقعیت‌ها، تغییر عملکردها، ارزش‌ها، نوع معیشت و روابط همگی بر تغییر فضای تولیدشده، اثرگذاری کرده‌اند (Fakuhi, 2004: 239)؛ همچنین در زمینه پیوند بین تاریخ و سرزندگی شهری، نتایج این پژوهش در راستای دیدگاه Salzano (1997) است. وی معتقد است که زیست‌پذیری شهری بدون ایجاد پیوند بین تاریخ، سنت‌ها و آداب و رسوم با ساخت و سازهای نوین شهری امکان‌پذیر نیست. برای تحقق زاینده‌گی زیستی، نیاز است که انسجام نهادی در شهرداری اصفهان تقویت شود. در وضعیت فعلی به هم‌ریختگی نهادی سبب شده است تعادل ساختار شهری نیز تضعیف شود. با تقویت انسجام نهادی شهرداری که نمود آن را می‌توان در کارآمدی نهادی، عدالت‌محوری، مردم‌مداری، بازسازی اعتماد، مداخله فرهنگی هدفمند و ... دید، وضعیت فضایی و ساختاری شهر اصفهان نیز بهبود پیدا کرده و زیست‌پذیرتر خواهد شد. بنابراین، بین سه مقوله زاینده‌گی زیستی، انسجام نهادی و سرزندگی اجتماعی پیوند مستقیمی وجود دارد. عملکرد شهرداری می‌تواند انسجام نهادی را به دنبال داشته باشد. انسجام نهادی سبب بهبود تعادل ساختاری شهر اصفهان شده و زاینده‌گی زیستی را برای آن به ارمغان می‌آورد. زاینده‌گی زیستی نیز می‌تواند سبب سرزندگی اجتماعی بیشتر شهروندان شود؛ مسئله‌ای که خود در تقویت دوباره زاینده‌گی زیستی شهر اصفهان می‌تواند تأثیر مثبتی بگذارد. بنابراین می‌توان گفت با بهبود فضای زیستی شهر اصفهان و تقویت انسجام نهادی، می‌توان انتظار تقویت سرزندگی اجتماعی در شهر را نیز داشت. این سرزندگی اجتماعی در بازسازی نظام هویتی و معنایی شهروندان خود را نشان می‌دهد. سبک زندگی اصفهانی و سنت‌های تاریخی آن عناصر ارزشی و رفتاری مطلوبی را در طول تاریخ شکل داده است که در زیست‌پذیری تاریخی

اصفهان نقشی بنیادی ایفا کرده است. برای تقویت زیست‌پذیری شهری اصفهان نیاز است که این انگاره‌های ارزشی و رفتاری بازسازی شوند.

به‌طور کلی نتایج پژوهش حاضر را می‌توان در راستای دیدگاه نظری *Lynch (2004)* قلمداد نمود. در دیدگاه لینچ سه عامل اهمیت محوری دارند: ساختار شهر، کنشگران و معنا. کنشگران که هم شهروندان و هم نهادها را شامل می‌شوند با کنشگری خودشان و در تعامل با ساختار شهری که خود، از این کنشگری‌ها در فرآیندی تاریخی شکل گرفته است، فضا را خلق می‌کنند. در طی این فرآیند خلق فضا در ساختار شهری است که معنا خلق می‌شود. خلق معنا، بنیاد حیات شهری است. این مسئله در دیدگاه لینچ (*Danesh & Tayebi, 2011*: 79)، بر مبنای تعامل بین کنشگران، محیط و تجارب و خاطرات گذشته (تاریخی) در طی یک فرآیند اتفاق می‌افتد. همین مسئله را به نوعی دیگر در دیدگاه لوفبور می‌توان دید. وی با تمرکز بر نقش تاریخ و خاطرات در تولید فضای اجتماعی در شهر، بیان می‌کند که تغییر بازیگران، تغییر موقعیت‌ها، تغییر عملکردها، ارزش‌ها، نوع معیشت و روابط همگی بر تغییر فضای تولیدشده تأثیر دارند (*Fakuhi, 2004:239*). این مسئله را می‌توان در تجربه اصفهان نیز مشاهده نمود. تغییر بازیگران نهادی و موقعیت‌ها در طول تاریخ، تولید فضای شهری و سطح زیست‌پذیری آن را نیز تغییر داده است.

این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی با نام «تبیین گفتمان اصفهان، شهر زندگی» در شهرداری اصفهان می‌باشد. در این پژوهش معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی به‌عنوان کارفرمای پژوهش، دفتر میز فرهنگ شهرداری اصفهان به‌عنوان بهره‌بردار و مدیریت پژوهش، خلاقیت و فناوری‌های نوین شهرداری اصفهان به‌عنوان گروه راهبری و نظارت در این پروژه همکاری داشته‌اند.

References:

- Akbari, N., Moayedfar, R., & Khondabi, F. M. (2018). "Analyzing livability in the distressed areas of Isfahan city with an emphasis on city development strategy", *Journal of urban economics and management*, 6(21), 37-54. (Persian).
- Cassellati, A. (1997). "The Nature of Livability". in Lennard, SH et. al (eds). *Making Cities Liveable*", International Making Cities Liveable Conferences. CA, Gondolier press.
- Choay, F. (2007). *Lurbanisme, utopies et realites, une anthologie*. Translated by Seyyed Mohsen Habibi, Tehran, University of Tehran. (Persian).
- Dajian, Z., & Rogers, P. P. (2006). "2010 world expo and urban life quality in shanghai in terms of sustainable development", *Chinese Journal of Population Resources and Environment*, 4(1), 15-22.
- Danesh, J., & Tayebi, A. (2011). "The quality of presence in urban squares with an emphasis on Iranian traditional samples", *Journal of Studies on Iranian Islamic City*, 1(4), 71-80. (Persian).
- Fakuhi, N. (2004). *Urban anthropology*. Tehran, Ney Publishing. (Persian).
- Habibi, M. (2001). "Tourist walking path", *Journal of fine arts*. 9: 43-51. (Persian).
- Iman, M. T., Noshadi, M. R. (2011). "Qualitative content analysis"; *Journal of Research in Islamic Sciences*. 6, 15-44. (Persian).
- Jodki, H., Qasimpour, A. (2020). "Investigating the concept of urban livability in urban development plans (case study: Isfahan metropolis)", *Payashahr*, 20: 1-13. (Persian).
- Karimi, K. (2009). "Urban planning of Isfahan city in the past and present". Translated by Samira Heydari. *seven cities*, 2(27-28). 10-19. (Persian).
- Khavarian Garmsir, A. R., Sadeghi, A., Haji Ghasemi, Z., Kabirzadeh, M. (2022). "A research strategy for improving the livability of metropolitan areas in Iran (a case study of the 10th district of Isfahan metropolis)", the first national conference of the future city of native thought. Yazd. (Persian).

Ledrut, R. (1986). *Speech and the Silence of the City*. Gottdiener, M., & Lagopoulos, A. P. (Eds.). (1986), *the city and the sign: An introduction to urban semiotics*. (pp. 114-134). New York, Columbia University Press.

Lynch, K. (2004). *A theory of good city form*. Translated by Seyed Hossein Bahraini. Tehran, University of Tehran. (Persian).

Mahlouji, M., Khademolseiny Saberi, H., & Ghaed rahmati, S. (2022). "Assessing the factors affecting urban livability in informal settlements, study of Zone 14 of Esfahan", *Journal of Geography, Urban and Regional Studies*, 10(40), 7-20. (Persian).

Mayring, P. (2004). *Qualitative content analysis*, In Flick, U., von Kardoff, E., & Steinke, I. (Eds.). *A companion to qualitative research*. (pp. 265-270). London: Sage.

Mohrelesh, R., & Saberi, H. (2022). "Identifying the Effective Indicators of Urban Livability (Case Study of Areas 1, 5 and 8 of Isfahan Municipality)", *Geography and Urban Space Development*, 9(2), 1-16. (Persian).

Rahmani, J. (2017). *Culture and Personality in Isfahan An Anthropological Study of Modal Personality*, *Iranian Journal of Anthropological Research*, 7(1), 7-29.





Salzano, E. (1997). "Seven aims for the livable city, in Lennard, SH et. al (eds). *Making Cities Liveable*", *International Making Cities Liveable Conferences* (pp. 114-134). CA, Gondolier press.

Throsby, D. (2005). "Cultural heritage as financial asset in strategies for urban development and poverty alleviation", *International Conference for Integrating Urban Knowledge and Practice* (pp. 2-14). Sweden, Gothenburg.

Zahedi Yeganeh, A., shams, M., & Khademalhosini, A. (2023). "Analysis of urban viability in Isfahan metropolis with emphasis on socio-cultural indicators", *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(4), 933-946. (Persian).

Zargham Ravanbakhsh, Sh. (2020). "Investigating and comparing the urban livability of Isfahan from the point of view of urban environment and in line with sustainable development", *Third Conference on Environment, Civil Engineering, Architecture and Urban Planning papers*, Valencia. (Persian).

Sociological Investigating of the Urban Life of Isfahan and its Improvement Process

Seyed Ali Hashemianfar (Ph.D)¹ , Ahmad Mehrshad (Ph.D)² 
Nariman Mohammadi (Ph.D)³ , Mohammad Heydari (Ph.D)⁴ 

DOI: 10.22055/QJSD.2024.46032.2923

Abstract:

This research investigated the urban life of Isfahan in two existing and desirable situations based on the perspective of Isfahan citizens. We tried to focus on the socio-cultural context of Isfahan, which has been the protector of its urban life throughout history. The research method was qualitative content analysis. The research participants were 28 citizens of Isfahan who were selected by purposeful sampling. The data collection method was focus group interview. The findings indicated that the urban life of Isfahan is not suitable in its current state. In the current situation, the three main categories influencing the weakening of the urban life of Isfahan are spatial fragmentation, institutional confusion and social confusion. The continuation of these conditions will expose the urban life of Isfahan to a severe weakening. For this purpose, the citizens of Isfahan have presented strategies to improve the existing situation, which include: spatial reproduction, institutional cohesion and social vitality. Cultural and social elements have played a pivotal role in the urban life of Isfahan in the past, and it is necessary to restore and strengthen these elements in the future.

Key Concepts: *Urban Space, Discourse of the City of Life, Urban Life, Isfahan, Municipality*

¹ Associate professor in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

² Assistant professor in Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), a.mehrshad@ltr.ui.ac.ir

³ Ph.D. in Economic-Development Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, neriman.1984@gmail.com

⁴ Ph.D. in Economic-Development Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, mohammadheydari61@gmail.com

